

ویژه‌مصدق

یادواره پنجاهمین ملی شدن صنعت نفت
تشکیل دولت مصدق



آزادی

دوره دوم، شماره ۲۶ و ۲۷، تابستان و پاییز ۱۳۸۰



عدم اعتنا به اصول قوانین اساسی و اجرای آن به ضرر مردم سبب میشود که استعمارگران بتوانند اراده خود را به یک نفر تحمیل کنند. سطح فشار هر قدر وسیعتر باشد اثر فشار نامحسوستر است. اکنون من به جرم همین اظهار نظر و به جرم این که دستخط پادشاه را اجراء نکردم در یک دادگاه نظامی که هویت آن بر کسی مستور نیست محکوم شده‌ام.

من نه به مال عقیده دارم نه به مقام و هدف من در زندگی یکی است و آن استقلال و عظمت کشور است که به خاطر همین هدف زندام و کمال سرپنداری است که در این راه از بین بروم و خدا را شاکرم که در خلال این سرتوشت تیره و تار که برایم مقدر فرموده است این محاکمه وسیله‌ای شد که پس از پنجاه سال مشروطیت در افکار عمومی این مسأله مطرح شود که در رژیم مشروطه و دموکراسی عزل و نصب رئیس دولت که عالیترین مظهر اقتدارات حکومت است به اراده یک نفر است یا به اراده اکثریت ملت؟ و شخص غیر مسؤول و تفسیرناپذیر آیا می‌تواند فرمانده مطلق‌العنان باشد و باز هم آن مملکت را مملکت مشروطه بدانند یا نه؟ محاکمه من تنها یک امری نیست ناخالی چون که نهضت ملی ایران سبب شده که محاکمه جنبه بین‌المللی هم پیدا کند و مورد توجه دنیا قرار بگیرد و همه می‌خواهند بدانند نتیجه آن به کجا می‌رسد؟ چنانچه دادگاه نظامی در معنی و مفهوم مشروطیت شک کند، عقلای عالم و سیاست‌شناسان معنای مشروطیت را خوب فهمیدماند و اگر ببینند که پس از نیم قرن مشروطیت ما رجال و دادرسان محاکم در القیای مشروطیت وامانده و مردی را به جرم این که گفته است وزرای دولت و نخست‌وزیر فقط در مقابل مجلسین مسؤولیت دارند، محکوم می‌کنند و بساز اگر ببینند دولتی که استعمارگران بیگانه را از مملکت بیرون رانده دچار حبس و بند می‌کنند و ناسزا می‌گویند، آیا به رشد سیاسی ما چگونه فکر می‌کنند؟

دکتر محمد مصدق

در دادگاه تجدید نظر نظامی



<http://www.chebayadkard.com/>

تک فروشی برای این شماره استثنائاً ۷ لیره انگلیسی: ۱۰/۵۰ یورو یا معادل آن

Website: <http://www.azadi-iran.org>

آزادی

پایه به هیئت تحریریه و نشریات ایران

تاسیس: فروردین ۱۳۵۸

گاهنامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

زیر نظر هیأت تحریریه

دوره دوم شماره ۲۶ و ۲۷

تابستان و پاییز ۱۳۸۰

نقل مطالب این نشریه با ذکر مأخذ و نام نویسنده آزاد است

- ۹ سرسخن
بخش نخست: مصدق
- ۱۵ هدایت متین نقری مصدق؛ ولادت و خانواده
زاد روز مصدق: چرا ۲۶ خرداد؟
- ۱۷ هدایت متین نقری
- ۱۹ هدایت متین نقری گاهشمار زندگی دکتر محمد مصدق ۱۲۶۱ - ۱۳۴۵
- ۹۳ مصدق در پاریس
- ۹۶ ترجمه سیروس جاویدی *زنه و بیه یار* ایران بیلر می شود
مصاحبه با یک مشروطه خواه ایرانی: محمد مصدق السلطنه
- ۱۰۰ *آ. نو روتسبرون ترجمه محمد تاج دولتی*
- مصدق در مطبوعات مشروطه سوم
- ۱۰۳ مجله خوانندگیا دکتر محمد مصدق، نخست وکیل و نخست وزیر را بشناسید
- ۱۰۸ *روزنامه امید* چند پرده از زندگانی مصدق
مصدق و ...
- ۱۱۲ مصدق و مجلس مؤسسان ۱۳۲۸
- ۱۲۵ مصدق و جوانان: پیام به دانشجویان ایرانی در خارجه
- ۱۲۹ دکتر محمد مصدق قوانین: نهضت ملی ایران یک نسیم مالیم و زودگذر نیست...
- ۱۳۹ دکتر محمد مصدق قانون ها، مجالس ها، دولت ها برای مردمند و نه مردم برای آنها
- ۱۴۶ مصدق در احمدآباد: از زبان خودش
- ۱۴۷ در گذشت مصدق انعکاس در ایران و جهان
- ۱۵۲ *هامون* <http://www.chebayadkard.com/> (شعر) ها قصه قصه قصه

۱۵۳	ویراستار	«حتی با مرگ نیز حق مصدق ادا نشد»
۱۵۶	گاستون فورنیه ترجمه سرور کسمایی	مردی معاصر کوروش کبیر
۱۶۵		نامه‌های از ایران
۱۶۷	جامعه سوسیالیستهای ایرانی در اروپا	آتشی که هرگز نمی‌میرد ...
۱۷۲	کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی	تجلیل از مصدق
۱۷۳	محمدرضا تنفیعی کدکنی (م. سرشنگ)	مرثیه درخت
		مصدق و اقتصاد
۱۷۵	آنا عنایت	اقتصاد بدون نفت: یادداشتی بر دو مقاله بحث‌برانگیز
۱۹۷	دکتر احمد سیف	مصدق و راه‌آهن سراسری
۲۰۹		بخش دوم: مجموعه‌ای از نظرهای خصمانه یا دوستانه
۲۱۰		کاشانی - کودتا و مصدق
۲۱۴		خمینی و مصدق
۲۲۷	http://www.chebayadkard.com/	جولتان امروز و مصدق
۲۳۱		دیگران و مصدق
۲۴۱		بخش سوم: دو پرسش
۲۴۳	یرواند آبراهامیان	مصدق در عصر حاضر
۲۴۵	نعمت آرم	مشهد بهار ۱۳۳۱ خورشیدی، و ستاره جاوید
۲۵۰	ژاله اصفهانی	نهر و مصدق
۲۵۱	مهندس صادق امیرحسینی	بلوای قم و چند خاطره کوتاه
۲۵۸	مهرناد باباعلی	حکومت ملی دکتر مصدق: تداوم انقلاب مشروطیت
۲۶۵	غلامرضا بقایی	درس‌هایی آموختنی
۲۶۹	ابوالحسن بنی‌صدر	دو پاسخ و دو پرسش
۲۷۲	عبدالمجید بیات مصدق	حکایتی ساده از دوران کودکی
۲۷۹	تسهرنوش پارسا پور	باید از تاریخ درس گرفت
۲۸۳	امیر پیشداد	آتشی که هرگز نمی‌میرد ...
۲۹۱	تقی تام	مصدق: بزرگ دولتمردی امروزی
۲۹۳	منوچهر تقوی بیات	دکتر مصدق هم خود یک شبه ره صد ساله پیمود ...
۲۹۵	محمد حسینی	باید نسیم به طوفان مبدل شود ...

- ۳۰۰ حیدر **فرق بین «اصلاح» گرایان مذهبی و ... از زمین تا آسمان است**
- ۳۰۴ هادی خرسندی **خاطرات ۲۸ مرداد**
<http://www.chebayadkard.com/>
- ۳۰۵ لطفعلی خنجی **پاسخ به نظر آزمایی -**
- ۳۰۷ جلیل دوستخواه **پاسخ به دو پرسش فصلنامه‌ی آزادی**
- ۳۱۰ احمد رئاسی **«دیدم آن شب شکنتر از خورشید ...»**
- ۳۱۳ فضل‌الله روحانی **خاطراتی از دولت ملی**
- ۳۱۷ کامبیز روستا **خاطرات کمربیش محو دوران کودکی -**
- ۳۱۹ محمدرضا سالگونی **راز ماندگاری مصدق در ذهنیت تاریخی ایرانیان**
- ۳۲۱ سی - علوی **راه و رسم مصدق، اندیشه‌ای که عمل بود -**
- ۳۲۴ انا عنایت **مصدق و ناسیونالیسم مدنی**
- ۳۲۷ پرستو فروهر **«صدای رسای تاریخ»**
- ۳۳۰ محمد علی همایون کاتوزیان **پاسخ به سوالات یادواره ...**
- ۳۳۲ حبیب لاچوردی **دولت مصدق و اصلاحات بنیادی**
- ۳۳۵ حسین متین نقری **آخرین سالها در احمدآباد: خاطراتی از ایام کودکی**
- ۳۴۱ علی متین نقری **امیدها و نگرانی‌ها**
- ۳۴۴ مریم متین نقری **مردی بود برای تمام فصول**
- ۳۵۳ جواد مجابی **در فواصل کهکشان**
- ۳۵۶ اردشیر محمص **پاسخی به زبان کاریکاتور**
- ۳۵۸ رضا مرزبان **ستون شخصیت مصدق ... از مقوله «بت» ساختن نیست**
- ۳۶۰ مرتضی مشیر **پند و خاطره**
- ۳۶۲ عباس سعیری **سه روز پر حادثه و زخم کودتا بر خانه ۱۰۹**
- ۳۶۵ ناصر مهاجر **دیروز و امروز**
- ۳۷۲ محسن یاقانی **یادواره پنجاهمین سال ملی شدن صنعت نفت و ...**
- ۳۷۷ **بخش چهارم کتابشناسی مصدق، نهضت ملی ایران و نفت**
- ۳۷۹ **کتابشناسی گزیده فارسی**
- ۳۹۹ فرهاد و کتیون دیبا **کتابشناسی به زبانهای غربی**

<http://www.chebayadkard.com/>



<http://www.chebayadkard.com/>

سر سخن

با عرض معذرت از تأخیر، بالاخره شماره حاضر آزادی که اختصاص به یادواره پنجاهمین سال تشکیل دولت مصدق دارد، پس از چند ماه تعویق، آماده چاپ شد! قرار ما بر این بود که بخش عمده این شماره فصلنامه را مانند شماره ۲۵/۲۴ و در تکمیل آن، به پیدایش دولت ملی و تلاش مصدق و همگنانش برای آزادی و استقلال ایران، و به طور خاص به نظرات معاصرانی که به پرسشنامه ما پاسخ داده‌اند و نه خاطرات گذشتگان، اختصاص دهیم. به همین منوال نیز، بخش ویژه با مطالبی دیگر در شماره پاییز ادامه یابد و شماره زمستان به طور عادی به جای خود و به موقع، در ایام عید منتشر شود. متأسفانه به هزار دلیل شرعی و عرفی و بعضاً بدتر از گناه که شرح آن از حوصله خوانندگان خارج است، برنامه مورد نظر اجرا نشد که باز هم به همین مناسبت، از خوانندگان گرامی به ویژه کسانی که از دور و نزدیک نگرانی خود را از این تأخیر اعلام فرموده بودند پوزش می‌طلبیم!

در این رهگذر با تغییر برنامه کار و بنابر توصیه برخی دوستان و نزدیکان نشریه و نیز خوانندگان بر آن شدیم که شماره حاضر تماماً ویژه یادواره پنجاهمین سال تشکیل دولت ملی، منتشر شود و بلافاصله پس از آن شماره زمستان که مطالب آن نیز حاضر است، به چاپخانه ارسال گردد.

لازم به تذکر است که قبلاً در تابستان گذشته، با ارسال پرسشنامه‌های شامل دو سؤال از برخی ارباب نظر با زمینه‌های فکری و سیاسی یا اجتماعی متفاوت، خواستیم خاطره یا تجربه خود را از مصدق و یا دوران او و نیز نظر خود را درباره سیاست مصدق و دولت ملی و قدرت و ضعف آن برای ما به اختصار بنویسند. حاصل کار سی‌وشش پاسخ مختصر یا نسبتاً مفصلی است که مجموعه جالب و جاذبی را، حتی بعضاً بحث‌انگیز، تشکیل می‌دهد، علی‌الخصوص از لحاظ یادمانده‌های کسانی که از دور یا نزدیک مصدق یا زمان دولت ملی را تجربه کرده‌اند؛ و هم‌چنین اظهار نظرهای منثور و منظوم و نیز به زبان کاریکاتور از استاد محصل.

بخش نخست یادواره با گاهشماری تفصیلی از زندگی پرماجرایی هشتاد چهار ساله مصدق (۱۲۶۱-۱۳۲۵) و ضمانت آن شروع می‌شود و با گوشه‌هایی از نظرها و برخوردهای مصدق با مسائل و اشخاص؛ زندگی و در گذشتش؛ لوایح قانونی و اصلاحات؛ و یادداشتی بر چند نوشته در تکمیل بحث اقتصاد بدون نفت (ویژنامه شماره قبل)، خاتمه می‌یابد. بخش دوم شامل چند نظر خصمانه یا دوستانه از دیگران به عنوان نمودی مختصر از برخوردهای دیروزی و امروزی با تفکر و کارنامه مصدق است که از منابع داخلی و مطبوعات امروز ایران و نیز منابع و مطبوعات خارجی، توأم با یادآوری‌هایی از خود ما نقل یا اقتباس شده است و بالاخره بخش پایانی یا چهارم شامل کتابشناسی مصدق و نهضت ملی است که در بخش اول آن عناوین نشریات فارسی صرفنظر از محتوای هر یک و در بخش دوم عناوین مربوط به زبانهای اروپایی، به طور عمده انگلیسی، برای استفاده خوانندگان و پژوهشگران عرضه شده است.

یادواره حاضر مربوط به سالهای پایانی دورانی است که با سقوط دیکتاتوری رضاشاهی شروع می‌شود و با کودتای خائنانه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ خاتمه می‌یابد. به مصدق مشروطه دوم که با سقوط استبداد صغیر محمدعلی شاهی شروع شد، به میمنت آزادی و رهایی از قید دیکتاتوری، این دوران مشروطه سوم نام گرفت. عنوانی که مانند بسیاری از خاطره‌های تاریخی ما به بوته فراموشی سپرده شده است. متأسفانه، با افتتاح مجلس سیزدهم که انتخابات آن قبل از سقوط رضاشاه، مانند شش دوره قانونگذاری قبلی بدون دخالت مردم صورت گرفته بود، بسیاری از کهنه‌مرغ‌های دوران دیکتاتوری که در شش دوره تقنینیه از خودرایی نداشتند و به عنوان مهر لاستیکی دیکتاتور عمل می‌کردند، فرصت یافتند که در دوره دو ساله مجلس با استفاده از کرسی پارلمان، بال و پر باز کرده و کسب اعتبار کنند، محیط سیاسی ایران را با فرصت‌طلبی و زدوبندهای سیاسی با عناصر وابسته به سیاست انگلیس مانند علی سهیلی جهت تجدید انتخاب در مجلس چهاردهم چنان آلوده نمایند که آثار این آلودگی در ششون کشور و درون مجلس تا کودتای بیست‌وهشت مرداد بر جای بماند.

در چنین صحنه‌های خانه‌نشین شده‌های دوران دیکتاتوری دو سال دیگر از حضور در مرکز ثقل زندگی سیاسی مشروطیت، یعنی مجلس شورای ملی محروم ماندند. در نتیجه، دسیسه‌های بیگانه و سدهایی که برای پیشبرد سیاست بریتانیا هنگام مشروطه سوم در برابر مردم ساخته می‌شد، توأم با حضور نظامی انگلیس در ایران و دولت دست‌نشانده‌اش به ریاست علی‌سهیلی و آتش بیاری محمد تدین، به جایی کشید که این عناصر دخالت در انتخابات را در برابر مقاومت مردم، از حقوق حقه خود دانستند.

اما مردم تهران، به رهبری یازاریان که نقش فعال خود را در مشروطه اول و دوم دوباره در مشروطه سوم بازیافته بودند و نیروی جدیدالورود صحنه سیاسی ایران یعنی دانشگاهیان، توانستند علی‌رغم دخالت بیگانگان، مصدق را به عنوان وکیل اول خود به مجلس بفرستند و از او در پیشبرد هدفهای ملی با تداومی بی‌نظیر حمایت کنند کار به همین‌جا خاتمه پیدا نکرد. بسیاری دیگر نیز از تهران و شهرستانها به مجلس راه یافتند به طوری که در زمان مقتضی مصدق توانست یک اقلیت سی‌ویک نفری در مجلس چهاردهم آرایش دهد و خود رهبری آن را به عهده گیرد. بدین‌سان بود که تمرین دموکراسی بار دیگر ممکن شد و در سالهای پایانی مشروطه سوم، در مبارزه انتخاباتی مجلس شانزدهم و تشکیل جبهه ملی و احزاب متنوع روبه رشد به اوج رسید این مهم میسر نبود مگر با آزادی بیان و مطبوعات که اهل بیان با تمام وجود به پاسداری آن پرداختند و مصدق برقراری و استفاده اصولی از آن را اول شرط تمرین دموکراسی و پیشرفت هدفهای ملی می‌دانست و سال‌ها بعد در زمان نخست‌وزیری در اهمیت این عامل پیشرفت دموکراسی در برابر احجافی که دیکتاتوری به وی و به تمام آزادیخواهان روا داشته بود گفته «کسی که پنجاه سال در راه آزادی مبارزه کرده و زندان و تبعید سالیان دراز را در این راه متحمل شده هیچ لذتی را نمی‌تواند با حظ آزادی عقیده و بیان برابر کند»

باری، قصد من در این‌جا تاریخ‌نگاری و ذکر وقایع این دوران نیست. بلکه می‌خواهم با استفاده از وقایع تاریخی، از شخصیت مصدق و آن چه که او بود صحبتی کرده باشم. - درست در شرایطی که به عنوان مثال، از طرفی برخی «مصدقی»ها در لباس جبهه ملی و یا نهضت آزادی در جهت انطباق با شرایط نظام سرکوبگر حاکم و رفع «شبهه»ای که خمینی به جای گذاشت صلاحانه حفظ هویت سیاسی خود را با سادمدلی تمام و کمال، در اثبات مسلمان بودن مصدق تشخیص داده‌اند و از طرف دیگر جماعتی از «مصلحین»، به ویژه در لوس آنجلس به بحث انحرافی سلطنت‌طلب بودن مصدق دامن می‌زنند.

زندگی سیاسی مصدق، از عنفوان جوانی، در آستانه قرن بیستم آغاز می‌شود و نزدیک به دو سوم وقایع این قرن را در برمی‌گیرد در این دوران، او به عنوان یک سیاستمدار و دولتمرد متفکر و دموکرات ایرانی، آسیایی و جهانی، در برابر استعمارگران، تاراج‌گران، قانون شکنان، سفاکان و ستمگران و مرتجعان، بیش‌تر و بیش‌تر از هر شخصیت دیگری بر سیاست و تاریخ معاصر سیاسی و اجتماعی ایران اثر معنوی می‌گذارد. چه آن زمان که در پاریس دانشجوی بود و پس از براندازی استبداد صغیر، در مصاحبه با مادام رنه‌وییه‌یار، با متانتی خاص خود، به امید جلب افکار فرانسویان به حمایت از انقلاب مشروطیت با تحسینی پایسته زمان، استعدادهای سکانتاران دولت جدید مشروطه را شرح می‌داد، و چه زمانی که در سالهای پایانی زندگی از زندان و

تبعیدگاه احمدآباد در مکاتباتش با دانشجویان به دلجویی و راهنمایی نسل جوان و یا به قول خودش «امید و آتیه ایران» می‌پردازد.

مصنق ایرانی و مسلمان یا به جهان گذاشت، ولی نه اسلامی بود و نه ناسیونالیست! مسلمان بود ولی می‌خواست که دین از دولت جدا باشد؛ ملی بود می‌خواست که حکومت مبتنی بر اراده ملت باشد؛ او فرزند خلف عصر روشنگری بود و می‌خواست که یک مردم از حقوق انسانی و شهروندی برخوردار شوند؛ خواستار آزادی و استقلال ایران بود و هیچ لذتی را به گفته خودش با «حظ آزادی عقیده و بیان برابر» نمی‌دانست و می‌خواست که دموکراسی و عدالت اجتماعی برای همیشه در ایران برقرار شود و حتی در بحبوحه توطئه‌های عوامل انگلیس و بدسگالیهای متحدان دربار در مجلس هفدهم، با وقوف و اشاره به محدودیتهای اضطراری در استفاده از حق، می‌گفت:

«من از انتقادات به جا و اصولی یاران موافق و دوستان مخالف نه تنها هرگز نمی‌رنجم و در حساب مملکت احساسات شخصی را مداخله نمی‌دهم، بلکه نصایح و انتقادات ایشان را به منزله چراغ راهنمای خود می‌شمارم... تا آنجا که مبارزه ملی ما را این گفتگوها مختل نسازد و مجال خرابکاری و سوءاستفاده برای حریف ایجاد نکند نه تنها مردم وظیفه‌دار هستند که به آزادیهای فردی و اجتماعی احترام بگذارند، بلکه دستگاه حکومت باید مروج این اساسی‌ترین شعائر دموکراسی و مشروطیت باشد.»

دموکراسی و عدالت اجتماعی برای او به منزله دو روی یک سکه بود به همین جهت برای انجام اصلاحات از مجلس تقاضای اختیارات کرد و در پیامش به مردم امیدوار بود که استفاده از این اختیارات در «ترویج و تعمیم آزادی مؤثر افتد تا همه طبقات بتوانند از مزایای آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی استفاده نمایند»

مصنق به قانون احترام می‌گذاشت و قوام و دوام جامعه را در حفظ و رعایت آن می‌دانست ولی کوشش و مبارزه می‌کرد که قانون بد را یا استفاده از قانون یعنی اراده آزاد مردم در تعیین سرنوشت خویش، تغییر دهد و براین عقیده بود که «قانون‌ها، مجلس‌ها، دولت‌ها همه برای خاطر مردم به وجود آمده‌اند نه مردم به خاطر آنها، وقتی مردم یکی از آنها را نخواستند، می‌توانند نظر خود را درباره آن ابراز کنند. در کشورهای دموکراسی و مشروطه هیچ قانونی بالاتر از اراده ملت نیست.»

پس به این ترتیب اساس حاکمیت ملی از دیدگاه مصنق اراده ملت بود و همان‌طور که مسلمان بود ولی اسلامی نبود ایرانی بود، ولی ناسیونالیست نبود؛ قرارداد اجتماعی مشروطیت را حفظ بود ولی سلطنت‌طلب نیز نبود. ینابر احکام مشروطیت و قانون اساسی به سلطنت و پادشاه مشروطه احترام می‌گذاشت مادام که پادشاه براساس اصل عدم مسؤلیت، سلطنت می‌کرد و نه حکومت. برای پادشاه و سلطنتی احترام قائل می‌شد که در امور دخالت و کارشکنی نکنند؛ جهت تضعیف دولت ملی با استفاده از جاه‌طلبی‌های

امثال مکی و بقائی با هر یک جداگانه به دسیسه برنخیزد و به هر یک جداگانه قول نخست‌وزیری ندهد؛ برخورداری از حمایت دولت بریتانیا را در برابر دولت ملی طلب نکند (گاهشمار، در همین نشریه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۳۲)؛ بسا هندرسون سفیر آمریکا جهت برکناری دولت و جایگزینی سرلشکرزاهدی دسیسه نچیند (گاهشمار، در همین نشریه ۹ خرداد ۱۳۳۲)؛ و بالاخره یا مأموران سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) و انگلیس در توطئه کودتا علیه دولت قانونی خودش شرکت نکنند.

دکترمصدق در طول زندگی یک برنامه داشت که آن را تا پایان عمر اجرا کرد و این برنامه در دو کلام خلاصه می‌شد و آن آزادی و استقلال ایران بود. به مجلس پنجم و ششم با همین برنامه وارد شد و روز نهم آبان ۱۳۰۴ با پیش‌بینی دوران سیاه دیکتاتوری، با تغییر سلطنت و خلع قاجاریه و استقرار رضاشاه مخالفت کرد؛ در مجلس چهاردهم برنامه‌اش را با طرح ضرورت اتخاذ سیاست موازنه منفی پیگیرانه و یک تکه با موفقیت دنبال کرد؛ و بالاخره در مجلس شانزدهم به موازات مسأله نفت به زدودن جوانه‌ها و شاخ و برگهای جوان دیکتاتوری جدید و خودکامگیهایی که زمینه‌اش با ترور نافرجام شاه در روز ۱۵ بهمن ۱۳۳۷ فراهم شده بود، پرداخت. طرح حق وتوی شاه را که مجلس مؤسسان قلابی ۱۳۲۸ پیشنهاد کرده بود، در اولین فرصت مدقون کرد و پیگیرانه برای الغاء قانون مطبوعاتی که به منظور خفه کردن آزادی بیان در جو ارباب پس از ۱۵ بهمن ۱۳۳۷ به تصویب رسیده بود، با موفقیت اقدام نمود.

به این ترتیب، آیا این سیاستمدار و دولتمرد متفکر و دموکرات ایرانی، آسیایی و جهانی بیش‌تر و پیش‌تر از هر شخصیت دیگر ایرانی بر سیاست و تاریخ معاصر سیاسی و اجتماعی ایران اثر معنوی نگذاشته است؟

لندن، فروردین ۱۳۸۱

هدایت متین‌دفتری



<http://www.chebayadkard.com/>

مصدق در کودکی با پدرش میرزاهدایت وزیر دفتر

و برادر بزرگترش میرزا علی دفتری موثق السلطنه پسر دوم وزیر دفتر (نشسته)

مصدق: ولادت و خانواده

دکتر محمد مصدق روز جمعه ۲۶ خرداد ۱۲۶۱ خورشیدی در تهران، محله سنگلج، گذر وزیر دفتر متولد شد. پدرش میرزا هنایت وزیر دفتر فرزند میرزا حسین فرزند میرزا کاظم مستوفی الممالک فرزند میرزا محسن آشتیانی، منسوب به خانوادگی از میرزایان آشتیان بود. جد اعلایش میرزا محسن، معاصر و دوست کریم خان زند به کریم خان که در کارزاری شکست خورده متواری و سرگردن بود، پناه داد. وقتی کریم خان به سلطنت رسید سه تن از پسران او را - میرزا کاظم، آغاسی بیک و هاشم خان - نزد خود خواند و آنان را به کارهای دیوانی و لشکری گماشت. پس از انقراض دولت زندیه و انتقال دیوان خانه از شیراز به تبریز و تهران، آنان نیز با دیوان خانه به دستگاه قاجاریه منتقل شدند. میرزا کاظم در زمان سلطنت کریم خان به مقام و شغل مستوفی الممالکی یا استیفای کل (وزارت دفتر استیفا یا وزارت مالیه که در واقع دستگاه حسابرسی و حسابداری کشور و تنظیم دستورالعملهای سالیانه ایالات و ولایات و جمع و خرج مملکت یا به اصطلاح امروزی بودجه) رسید و بنا به گفته محمود فرهاد معتقد از نوادگان آغاسی بیک در کتاب «سپهسالار اعظم»، در زمان آقا محمدخان قاجار در سال ۱۲۱۱ قمری (۱۱۷۵ شمسی و ۱۷۳۶ میلادی) بر اثر ابتلا به سینه پهلو در قلعه شوش، حصار قره باغ در قفقاز در گذشت. میرزا حسین فرزند کهنتر میرزا کاظم در زمان فتحعلی شاه وزیر حکومت قزوین بود که در جوانی انتحار کرد لذا پسرش میرزا هنایت (متولد ۱۳۲۵ ق ۱۱۹۸ ش) در خانه عمو (میرزا حسن مستوفی الممالک زمان محمد شاه) بزرگ شد و با دختر عمو نیز ازدواج کرد. میرزا هنایت از دیوانیان نزدیک به میرزا تقی خان امیر کبیر و از رجال تجندخواه زمان خود بود و به همین دلیل با پسر عموی محافظه کارش میرزا یوسف مستوفی الممالک در امور عمومی چندان تجانسی نداشت.

او در زمان ناصرالدین شاه مدتی وزیر لشکر (مسئول امور محاسباتی قشون) بود و پس از این که میرزا یوسف به صدارت رسید تصدی وزارت دفتر استیفا یا استیفای کل به او داده شد. عنوان وزیر دفتر به همین مناسبت است و نام خانوادگی فرزندان و نوادگان میرزا هنایت، جز در دو مورد مشتق از همین عنوان. یکی از این دو، مورد میرزا محمد مصدق السلطنه است که هنگام اخذ شناسنامه به منظور اخذ گذرنامه پس از مشروطیت، نام خانوادگی «مصدق» را انتخاب کرد و دیگری یکی از نوادگانش، میرزا جهان معاون السلطنه فرزند ارشد میرزا حسین وزیر دفتر بعدی بود که «معاون» را برگزید جالب توجه است که پس از درگذشت میرزا یوسف میرزا هنایت سرپرستی و تربیت فرزند او حسن (میرزا حسن مستوفی الممالک زمان مشروطیت) را که صغیر بود، به عهده گرفت. بنابر این میرزا هنایت را می توان مری سالیان رشد پایهای دو تن از شخصیتهای نامدار قرن بیستم ایران نیز دانست.

میرزا هنایت پس از درگذشت اولین همسرش، چند بار ازدواج کرد. دارای هفت پسر و پنج دختر بود. بزرگترین آنان، میرزا حسین وزیر دفتر که از طریق دومین پسرش میرزا محمود دفتری عین الممالک جد اعلای پدري نگارنده است، در حدود چهل سال با کوچکترین برادر خود، دکتر

مصداق تفاوت سن داشته میرزا هدایت روز اول صفر ۱۳۱۰ قمری (۱۳ شهریور ۱۲۷۱)، در سن ۷۵ سالگی در تهران به مرض وبا درگذشت و به جای او، فرزند ارشدش میرزا حسین به وزارت دفتر استیفا رسید.

مادر دکتر مصداق، ملک تاج خانم فیروز، نجم السلطنه فرزند فیروز میرزا نصرت الدوله یکی از پسران عدیده عباس میرزا ولیعهد قاجار، آخرین همسر میرزا هدایت وزیر دفتر بود. حاصل این ازدواج علاوه بر دکتر مصداق فقط یک دختر به نام خانم دفتر الملوک کوچکترین فرزند میرزا هدایت بود. خانم نجم السلطنه نیز ازدواج اول خود با مرتضی قلیخان وکیل الملک کرمانی دو دختر داشت. ابوالحسن دیبا تقه الدوله، کوچکترین فرزندش حاصل ازدواج سوم او با وکیل الملک دیبا است. وکیل الملک دیبا قبل از این ازدواج، دارای فرزندان دیگری بوده است از جمله ابوالفتح والیتار ملقب به حشمت الدوله که ضمناً در تهران، خیابان کاخ رو به روی منزل دکتر مصداق زندگی می‌کرد، که برخلاف بسیاری از نوشته‌ها، به علت این ازدواج یا دکتر مصداق فقط نسبت سببی داشت.

خانم نجم السلطنه، زنی نیکوکار و کارداران بود و به حق می‌توان او را مری ایام نوجوانی دکتر مصداق دانست. بیمارستان نجمیه را در تهران، خیابان یوسف آباد (حافظ فعلی)، به عنوان یک مؤسسه عام المنفعه غیر انتفاعی بنا کرد و با تخصیص موقوفات کسافی بنا بر وقفنامه بیمارستان، امکان معالجه رایگان بیماران را (با استفاده از تمام امکانات پزشکی، اعم از دارو و جراحی و غیره) برای بستری کردن ده بیمار و معالجه بیماران سربایی در هر روز به وجود آورد. تا زنده بود خود تولیت و مدیریت بیمارستان را به عهده داشت و پس از درگذشتش در سال ۱۳۱۱ خورشیدی دکتر مصداق تا لحظه فوت در سال ۱۳۳۵ و سپس ابوالحسن دیبا تولیت بیمارستان را به عهده گرفتند که به بهترین وجه تا انقلاب بهمن ۵۷ اداره شد از آن جا که خانم نجم السلطنه به برابری فرزندان دختر و پسر اعتقاد داشت. سنتی که در این خانواده یا برجاست. تولیت بیمارستان را پس از ابوالحسن دیبا در «اکبر لولاد دکتر مصداق نسل بعد از نسل» یعنی اعم از اناث و ذکور، موروثی کرد. غافل از این که با پیدایش حکومت خمینی، بیمارستان نوپید که مصداق ۳۴ سال از کار، با وسواس در رشد و نوسازی آن کوشید، و زنده یاد حسن شمشیری از رهروان نهضت ملی ثروت خود را وقف گسترش و افزایش ظرفیت آن به دو برابر کرده بود، در تصاحب سپاه پاسداران قرار گرفته نام بیمارستان را تغییر دادند و حتی تصویر بانای آن و تابلوی قدردانی از زنده یاد شمشیری را برداشته‌اند.

مصداق در ستین جوانی با همسری که هم سن و سال خودش بود ازدواج کرد همسرش خانم زهرا مصداق ضیاء السلطنه فرزند حاج سید زین العابدین امام جمعه تهران در دوران ناصری بود. حاصل این ازدواج پنج فرزند است که بزرگترین آنها خانم ضیاء اشرف بیات مصداق و سپس به ترتیب مهینس احمد مصداق، دکتر غلامحسین مصداق و خانم منصوره متین‌دفتری می‌باشند و بالاخره خدیجه خانم مصداق که هنوز در قید حیات است. خانم ضیاء السلطنه در سال ۱۳۳۴ حدود یک سال قبل از درگذشت دکتر مصداق، در بیمارستان نجمیه، بر اثر بیماری ذات‌الریه دور از همسر که در قلعه احمدآباد تحت نظر و زندانی بود درگذشت.

زاد روز مصدق: چرا ۲۶ خرداد؟

بیرامون تاریخ دقیق تولد مصدق زیاد بحث شده است. چه در طول زندگی پر تشبیب و فرازش و چه پس از درگذشت او در سال ۱۳۴۵ خورشیدی. مجلس اول پس از انقلاب مشروطیت نمایندگی او را از اصفهان نپذیرفت زیرا هنوز سی سال نداشت و به همین علت ورودش به مجلس در شعبه مأمور رسیدگی به اعتبارنامه‌ها مورد اعتراض قرار گرفت. به گفته خودش در کتاب «خطاطرات و تألمات» همیرزا جوادخان مؤتمن العمالک نماینده کرمان و عضو شعبه [رسیدگی به اعتبار نامه‌ها] که تاریخ وفات مرحوم مرتضی قلی خان وکیل الملک والی کرمان و شوهر اول مادرم را می‌دانست، چنین استدلال نمود اگر مادرم بلافاصله پس از ۴ ماه و ده روز عده قانونی با پدرم ازدواج کرده بود و من هم نه ماه بعد از آن متولد شده بودم یاز سی سال نداشتم. این اعتراض که در آن دوره به ضرر مصدق بود در دوره شانزدهم تقنینیه به سودش تمام شد. به گفته خودش در همان کتاب علت این بود هنگامی که «... احتیاج به گذرنامه داشتم که طبق تصویبنامه هیأت وزیران گذرنامه به کسانی داده می‌شد که دارای سجل احوال باشند نظر به این که سال ولادتم در پشت قرآنی نوشته شده بود که در دست نبود آن را بدون تحقیق و تشخیص سال قمری با شمسی در کلاتری ۳ تهران نوشتم (۱۲۵۸ شمسی) که شناسنامه صادر شد و موقع انتخابات دوره ۱۶ تقنینیه طبق آن شناسنامه، سالم از هفتاد تجاوز می‌کرد. این بود که عکس سنگ قبر مرحوم وکیل الملک کرمانی را که تاریخ وفاتش با تمام حروف روی آن منقور است از نجف خواستم و آن را به وزارت کشور فرستادم و با همان دلیل ثابت کردم که سالم از هفتاد کمتر است که مورد تصدیق انجمن مرکزی انتخابات قرار گرفت و اعتبارنامه را صادر کرد».

آن چه معلوم است، مصدق روز ۲۹ رجب ۱۲۹۹ قمری به دنیا آمد که منطبق است با ۲۶ خرداد ۱۲۶۱ شمسی و ۱۶ ژوئن ۱۸۸۲ میلادی. در آن زمان ثبت احوال دولتی و شناسنامه همان‌طور که خودش هم اشاره کرده است، وجود نداشت و چنان که رسم بود پدرش میرزا هنایت وزیر دفتر، ولادت کوچک‌ترین و آخرین پسر خود را پشت قرآن به ثبت رساند و آن را به همسر خود ملکتاج خاتم فیروز ملقب به نجم السلطنه سپرد. این قرآن را بعدها نزد جد عالی‌قدرم در احمدآباد دیدم که از غارت و دستبرد کودتاچیان ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به خانه شماره ۱۰۹ خیابان کاخ در تهران، خانه قدیمی ایشان، مصون مانده بود. پس از درگذشت [۱۳ اسفند ۱۳۴۵]، قرار بر این شد که خانه و آخرین زلفان مصدق در احمدآباد که اتاق اصلی طبقه تحتانی آن اکنون دیگر آرامگاهش شده بود، به همان شکل اصلی بدون هیچ تغییری، حفظ و نگهداری شود. رسیدگی به امور این سوزة کوچک و ساده خانوادگی به نگارنده واگذار شد تا مرداد ۱۳۵۸ که قادر به رفت و آمد علنی بودم و برای آخرین بار به احمدآباد سر زدم. قرآن مذکور هنوز در همان جا در اتاق کار مصدق قرار داشت.

قبل از انقلاب مشروطیت، با آن که امور دیوانی و سال مالی دفاتر دستورالعمل و ثبت احکام و فرامین و جمع و خرج ایالات و ولایات - براساس سال شمار خورشیدی محاسبه می‌شد، و مردم ایران نیز سال نو را با نوروز شروع می‌کردند، تا مدتی پس از مشروطیت وقایع با تقویم قمری به ثبت می‌رسید. در سال ۱۳۰۴ شمسی مجلس شورای ملی به تقویم خورشیدی نظم بهتری داد و آن

را اصلاح کرد و نامهای ایرانی ماههای خورشیدی را که متروک شده بود به جای خود گذاشت. چاپخانه مجلس نیز، پس از این اصلاحات، مبادرت به انتشار یک تقویم برای محاسبه و انطباق تاریخ قمری با هجری شمسی و میلادی نمود که به «تقویم صد ساله» معروف شد.

دکتر مصدق با استفاده از همین تقویم صد ساله که یک جلد آن در میان کتابهایش در احمدآباد دیده می‌شد، تاریخ تولد خود را از قمری به هجری شمسی و میلادی تبدیل کرده و ۲۹ رجب ۱۲۹۹ را با ۲۰ مه ۱۸۸۲ و ۲۹ اردیبهشت ۱۲۶۱ منطبق دانسته است. و این محاسبه را در سال ۱۳۲۴ به خط خود به صورت یک جدول مکتوب کرده و در جواب یکی از علاقمندان فرستاده است. در این محاسبه یک سهو اساسی وجود دارد که اولین بار در سال ۱۲۵۸ یا ۱۲۵۹، آقای کریم امامی متوجه آن شد و محاسبه جدیدی را که از هر جهت صحیح بود در یکی از نشریات منعکس کرد آقای ایرج افشار، ویراستار کتاب «تقریرات مصدق در زندان» نیز در این کتاب به کشف آقای امامی اشاره کرده و نوشته است که با مراجعه مجدد به جداول تطبیق سنوات معلوم شد که ۲۹ رجب ۱۲۹۹ قمری مطابق است با ۱۶ ژوئن ۱۸۸۲ میلادی و ۲۶ خرداد ۱۲۶۱ شمسی. بر همین اساس نیز کتاب مزبور به مناسبت ۲۶ خرداد سالروز تولد مصدق منتشر شده است.

این محاسبه از هر جهت دقیق است و با محاسبه‌یی که برای اطمینان بیشتر با استفاده از جدول ضمیمه فرهنگ انگلیسی - فارسی تألیف آ.ان. والیستون که در سال ۱۸۸۲ در هند منتشر شده است کرده‌ام، تطبیق می‌کند در همین زمینه نیز آقای دکتر ناصر پاکدامن در مقاله‌ای تحت عنوان «خبرنامه سه زاد روز» (نیما یوشیج، کسروی، مصدق)، ۲۹ رجب ۱۲۹۹ قمری را برای اولین بار روز جمعه دانسته است که بنا بر نوشته ایشان مطابق است با ۲۷ جوزا/ خرداد ۱۲۶۱ شمسی (یونینیل یا سال اسب) و ۱۶ ژوئن ۱۸۸۲ میلادی. در صورتی که ۱۶ ژوئن مطابق با ۲۶ خرداد است و نه ۲۷ خرداد. ایشان البته با مراجعه به «تقویم یک صد و پنجاه ساله تطبیقی» احمد نجم‌آبادی که مرجعی است مطمئن، محاسبه کرده‌اند که «اساس کار خود را بر تقویمهای منتشر شده در هر سال گذاشته است و در نتیجه و علی‌القاعده، سال و ماه و روزی را به دست می‌دهد که هر ساله و هر روز مردمان زندگی کرده‌اند». اما با دقت بیشتر برای حل این معما بر نگارنده معلوم شد که این تقویم مربوط به قبل از اصلاح تقویم در سال ۱۲۰۴ است. زیرا قبل از اصلاح تقویم خورشیدی تعداد روزهای سه ماه اول سال شمسی یا شمارش امروزی به شرح زیر فرق داشته است: حمل (فروردین) ۲۰ روز به جای ۳۱ روز؛ ثور (اردیبهشت) هملن ۲۱ روز؛ جوزا (خرداد) ۳۲ روز به جای ۳۱ روز بوده است.

به این ترتیب از اول برج حمل تا ۲۷ جوزا ($۳۰+۳۱+۲۷=۸۸$) بر طبق شمارش قبلی ۸۸ روز است و از یکمین روز فروردین (حمل سابق) تا ۲۶ خرداد بر طبق تقویم اصلاحی ($۳۱+۳۱+۲۶=۸۸$) نیز همان ۸۸ روز می‌شود. پس ۲۶ خرداد ماه مطابق تقویم اصلاحی رایج امروزه همان ۲۷ جوزای تقویم قبل از اصلاحات سال ۱۲۰۴ است. نتیجه این که تاریخ دقیق تولد مصدق مطابق تقویم رسمی رایج امروز ایران، روز جمعه ۲۶ خرداد ماه (مطابق با ۲۷ جوزای تقویم اصلاح نشده) در سال ۱۲۶۱ خورشیدی است.

گاهشمار زندگی

دکتر محمد مصدق

۱۳۶۱ - ۱۳۴۵

<http://www.chebayadkard.com/>

گاهشماری که در این جا ملاحظه می‌شود با این امید تنظیم شد که با ضمایم آن و سایر عناوین مندرج در این مجموعه، مکملی باشد بر خاطرات دور و نزدیک و جالب توجهی که در پاسخ به پرسش لؤل پرسشنامه به ما رسیده است، هم‌چنان که بر نظرها و انتقادهای مربوط به پاسخهای پرسش دوم، امید است که در ظرف زمان رویدادها، بتواند در تدقیق و تفسیر انتقادهای صواب یا ناصواب مندرج در نوشته‌های گوناگون و اظهار نظرهای دور و نزدیک مورد استناد و استفاده قرار گیرد.

در تهیه گاهشمار، مضاف بر منابع یاد شده در «یادداشت‌ها» و اسناد و یادماندهای شخصی، از دو منبع ذیل نیز بهره بردم:

۱- «سالشمار» مختصر زندگی مصدق در کتاب «تقریرات مصدق در زندان» (۱۳۵۹) تصنیف آقای ایرج افشار، به ویژه پانوشتهای سوگند ایشان بر این سالشمار که اکثراً در یادداشت‌های شماره ۲۰۱، ۶، ۸، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ گاهشمار، عیناً به عاریت گرفته شده است.

۲- «روز شمار تاریخ ایران» از مشروطه تا انقلاب» تصنیف دکتر بقدرعاقلی، جلد اول (۱۳۶۹)، جلد دوم (۱۳۷۰)، به خصوص در تدقیق شرح و تاریخ وقوع برخی رویدادهای خول و جوش زندگی مصدق و نهضت ملی ایران، و وقایع مربوط به گروهها و شخصیت‌های درگیر با نظام دیکتاتوری در رویدادهای پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، از آن استفاده کرده‌ام.

البته بدون یابوری نزدیکیانم انجام این کار به آسانی ممکن نمی‌شد به خصوص آقای عبدالمجیدبیات مصدق که با یادماندهای خود و کاوشهای سریع و مؤثر، چه در مجموعه اسناد بنیاد مصدق در ژنو و چه به اشکال دیگر مرا همراهی کردمانند هم‌چنین آقای علی‌متین‌دفتری که روزهای متوالی با جمع‌آوری منابع مورد نیاز و تحقیق و تفحص، توأم با نظرها و یادماندهای خود در تنظیم بخش مهمی از گاهشمار سهم به سزایی داشتند.

با توجه به این که گاهشمار حاضر، در زمستان گذشته به بهای معوق ماندن انتشار دو شماره فصلنامه، در زمانی بالنسبه کوتاه و با سرعت تنظیم شد با وجود دقت فراوان ته کامل است و نه عاری از برخی اشتباههای چاپی و حتی شاید عبارتی، هر چند که در تنظیم وقایع و تاریخ رویدادها،

صرفاً به خاطر، یادداشت خصوصی، نوشته یا روزشماری خاص و واحد بسنده نشده بلکه در صورت تردید به یک یا چند منبع دیگر نیز با وسواس مراجعه کردیم، ویژه آن که گاه دیده شده که مضاف بر اشتباهاتی فاحش، جهت رویدادی مشخص بیش از یک تاریخ در منابع گوناگون ذکر شده است. بنابراین ضمن پوزش از خوانندگان محترم برای هر گونه نقص و ناراحتی یا اشتباهی که ضمن مطالعه یافت شود خواهشمند است با تذکر مورد و نظرات خود ما را رفع نواقص گاهشمار و اشتباههای آن جهت تنظیم مکمل، یاری فرمایند.

فروردین ۱۳۸۱

هدایت متین‌دفتری

۱۲۶۱

۲۶ خرداد مطابق با ۲۹ رجب ۱۲۹۹ قمری، ۱۶ ژوئن ۱۸۸۲ میلادی، ولادت در تهران از میرزاهدایت وزیر دفتر و ملک تاج فیروز نجم السلطنه. (نگاه کنید به «ژاد روز مصنف: چرا ۲۶ خرداد؟» در همین مجموعه)

۱۲۷۱

۴ شهریور (اول صفر ۱۳۱۰ قمری)، درگذشت میرزاهدایت وزیر دفتر (پدرش).

۱۲۷۶

– تصدی استیفای خراسان - به شرح «مختصبات التواریخ» «چون مصنف نوجوان بود به سر رشته‌داری میرزا علی اکبر موزه مأمور این منصب شد» مصنف در این وقت دارای لقب مصنف السلطنه بود و رتبه مستوفی اول دانسته در کتاب «طرائق الحقائق» تألیف محصومعلی‌شاه شیرازی در ۱۳۱۸ قمری ذیل احوال میرزا هدایت و بر شمردن فرزندان او آمده است: «دیگر مصنف السلطنه که جوانی است پیر، صاحب صفات حمیده و اخلاق پسندیده.»^۱

۱۲۸۳

– ازدواج با زهرا (امامی) ضیاءالسلطنه فرزند سیدزین‌العابدین امام‌جمعه تهران و ضیاءالسلطنه فرزند ناصرالدین شاه.
۱۰ اسفند (۱۹۰۵) تولد اولین فرزند - ضیاءالشرف.

۱۲۸۴

– تولد سومین فرزند - احمد (مهندس بعدی).
– تولد سومین فرزند - محمود که در نخستین سال زندگی درگذشت.

۱۲۸۵

– انتخاب شدن به نمایندگی دوره اول مجلس شورای ملی از اصفهان. مجلس به علت نرسیدن سن به حد تصاب او را پذیرفت.^۱

۱۲۸۶

– تولد چهارمین فرزند – غلامحسین (دکتر بعدی).

۱۲۸۶

۱۱ تیر (۲۰ جمادی الاولی ۱۳۲۵ قمری) – قبول عضویت در «جامع انجمن»^۲. مصدق به گفته خودش، بنابر دعوت دوست و پسرخاله خود سلطان‌چنید میرزا این عضویت را پذیرفت. سلیمان میرزا اسکندری نیز همزمان در آن جا بود مصدق طی مکتوب مورخ ۱۲ آذر ۱۳۲۴ در جواب سوئل ایرج افشار علت خروج خود را از جامع انجمن بشرح ذیل بیان کرده است:

«احمدآباد - ۱۲ آذر ۱۳۲۴، قربانت کردم مرقومه محترم که حاکی از صحت و سلامت جنابعالی است. عز وصول لرزانی بخشید و موجب کمال مسرت و خوشحالی گردید. راجع به انجمن‌هایی که در بندو مشروطیت تشکیل می‌شد و یکی از آنها انجمن آدمیت بود اطلاعی که درم این است مرحوم میرزا عباسقلی در خانه‌ی خود این انجمن را تشکیل داد و هر کس هم که می‌خواست عضو انجمن بشود لازم بود کسی از اعضاء او را معرفی کند و میلی هم بابت حق عضویت میردازد در یکی از روزها شخص محترمی به خانه من آمد، مرا دعوت نمود و با خود به انجمن برد و بعد هم دو سه جلسه بنده حاضر شدم و چون مجمع انسانیت تحت ریاست مرحوم مستوفی‌الممالک تشکیل شد و مرکب بود از آقایان آشتیانی‌ها، گرگانی‌ها و تفرشی‌های ساکن طهران و بنده را هم به سمت نیابت رئیس انتخاب کردند دیگر نتوانستم در انجمن آدمیت حاضر شوم. این است اطلاعات بنده که به استحضار رسید در خاتمه لزادت خود را تجدید می‌نمایم دکتر محمد مصدق»^۳

– ورود به «مجمع انسانیت». در صدر مشروطیت انجمنهایی برای دفاع از آزادی تشکیل شد یکی از این اجتماعات مجمع انسانیت مرکب از اهالی آشتیان، قورش و گرگان بود که در تهران تشکیل شد. حسن مستوفی (مستوفی‌الممالک) به ریاست و دو نفر دیگر از جمله مصدق به سمت نواب رئیس انتخاب شدند و مسؤولیت کمیسیون حرب (بخش مسلح) به او داده شد.^۴

۱۲۸۷

اسفند/ فروردین (مارس ۹-۱۹ میلادی) – عزیمت به فرانسه و آغاز تحصیل در مدرسه علوم سیاسی پاریس در رشته علوم مالیه به مناسبت کسالت مزاج به ایرلن مراجعت کرد (۱۲۸۹/۱۹۱۰م). مجدداً (این بار با مادر و همسر و فرزندان) به اروپا بازگشت و در شهر نوشاتل (سوئیس) به تحصیل حقوق مشغول شد. (۱۲۸۹/۱۹۱۱).

در همین دوران فرزند پنجمی به نام یحیی به دنیا آمد که در نوشاتل درگذشت.

۱۲۸۸

۳۱ شهریور (۲۲ اوت ۱۹۰۹) مصلحهٔ ملادم رته و بیه یار در پاریس با مصفّق دربارهٔ مشروطیت و وقایع و مسائل ایران، (*Les Nouvelles*) نشریهٔ/خبر چاپ پاریس به مدیریت بانو مبارک‌گیت دوراندوز فمینیتهای زمان.

۱۲۹۲

۱۹۱۳) اخذ درجهٔ دکتری در رشتهٔ حقوق از دانشگاه نوشاتل در سوئیس.
- طبع «مسئولیت دولت برای اعمال خلاف قانونی که از مستخدمین دولتی در موقع انجام وظایفشان صادر می‌شود و قاعدهٔ عدم تسلیم مقصرین سیاسی» ۱۹۱۳ (به زبان فرانسه در پاریس).

۱۲۹۳

- طبع رسالهٔ دکتری به نام «مبارک حقوق اسلامی و وصیت در مذهب شیعه» ۱۹۱۴ (به زبان فرانسه در پاریس).

- اواخر ۱۹۱۴ بازگشت به ایران و تدریس در مدرسهٔ علوم سیاسی.

- (۱۹۱۳) تولّد ششمین فرزند - منصوره.

۳ مهر تألیف و نشر جزوهٔ «کاپیتولاسیون و ایران».

۲۱ آبان تألیف و نشر کتاب «شرکت‌انگاری در اروپا».

۲۱ آبان تألیف و نشر کتاب «دستور در محاکم حقوقی».

۱ جدی (دی) (۱۳۳۳ قمری) همکاری در تأسیس و نشر مجلهٔ علمی در تهران. هیأت مدیره: محمد مصفّق‌السلطنه، امیرسپه‌الدین قفاری، محمد علی ملّی (مالار معظم)، یحیی قراقرزو (اعتمادالدوله)، فیروز (نصرت‌الدوله)، صالح لقمان، موسی شیانی. این مجله به طور ماهانه در ۱۵ شماره تا سال ۱۲۹۴ منتشر شد.

- عضویت کمیسیون «توفیر جمع و خرج» در وزارت مالیه.^۴

۱۲۹۴

- عضویت در انجمن فرعی انتخابات میان دورهای برای مجلس سوم در مسجد سراج المملک واقع در خیابان برق.

- عضویت در حزب اعتدال (به دعوت علامه علی اکبر دهخدا).^۵

۱۲۹۵

آبان انتخاب شدن به عضویت کمیسیون تطبیق حوالجات (در جای دیوان محاسبات) از طرف دورهٔ سوم مجلس شورای ملی.^۶

اصولاد ۳۳ آرد. ۱۳۴۴

خونت گم رفورم کرده چاکه گیت
 عزیزان لسان کشیده در حال است
 ۵ در بر درویت کنی شده یکی زانها
 ۵ در لیم است بر حرم سانس
 در کس به خونت خوراکی شود
 اما سوز که زینتی است حق
 شخص عمری کلندی من آمد
 ۵ در سوز نه در جمع
 کنی شده در رک بود
 ساکن طرین در سوز
 دیگر ششم در انجمن است
 روزانه اما است خوراکی

۱۲۹۶

فروردین معاونت وزارت مالیه و رئیس کل محاسبات (به مدت ۱۴ ماه تا اردیبهشت ۱۲۹۷).
- عضویت در جمعیت (حزب) دموکرات ضد تشکیلی پس از کتله‌گیری از معاونت وزارت مالیه

۱۲۹۸

- (۱۹۱۹) عزیمت به اروپا و اقامت در سویس به مناسبت مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹.

۱۲۹۹

۱۲ تیر معرفی به وزارت عدلیه در کابینه مشیرالدوله ولی به هنگام ورود به بندر بوشهر (۱۵ مهر ۱۲۹۹) به مناسبت تمایل مردم از طرف دولت به والیگری فارس منصوب شد.
۱۹ مهر والی فارس. دکتر مصدق به علت مخالفت با کودتای سوم خوت (اسفند) ۱۲۹۹ و ریاست وزرای سیدضیالمدین طباطبائی استعفا کرد (۲ فروردین ۱۳۰۰) و برای محفوظ ماندن از تعرض محاسن دولتی به بختیاری رفت (۳۰ فروردین ۱۳۰۰).^{۱۰}

۱۳۰۰

۱۴ خرداد وزیر مالیه در کابینه قوام السلطنه با اخذ اختیارات قانونی به موجب ماده واحده (تر ۱۲۰) از مجلس شورای ملی برای مدت سه ماه سپس پیشنهاد وزارت امور خارجه در کابینه مشیرالدوله (بهمن ۱۳۰۰) و قبول نکردن آن.^{۱۱}
۲۸ بهمن والی آذربایجان (حدود چهار ماه تا ۲۰ تیر ۱۳۰۱).^{۱۲}

۱۳۰۲

اردیبهشت ریاست انجمن فرعی انتخابات دوره پنجم (محلّه دولت) تهران را به عهده گرفت تا ۲۴ خرداد.^{۱۳}

۲۴ خرداد (۲۵ جوزا) وزیر امور خارجه در کابینه مشیرالدوله به مدت ۴ ماه تا ۳۰ مهر.^{۱۴}
۵ آذر تولد هفتمین و آخرین فرزند - خدیجه.

۲۲ بهمن نمایندگی مجلس شورای ملی در دوره پنجم: مخالفت تاریخی او با تغییر سلطنت و استقرار سلطنت پهلوی (۹ آبان ۱۳۰۲) سخنرانی راجع به نفت خورین (۱۳۰۴) و نقضای جریانهای نیست پردعا سخنرانی درباره راهان هنگام طرح لایحه ساختمان راهان سراسری (۲۰ بهمن ۱۳۰۴) و...^{۱۵}
- تشکیل کمیسیون معارف و عضویت در آن.

آبان انتشار ترجمه رساله دکتری - «مطالک حقوق اسلامی و وصیت در مذهب شیعه» ترجمه متین‌الدوله دفتری، علی معتمدی، نصرالله انتظام.

۲۰ بهمن تألیف و نشر کتاب «حقوق پارلمانی در ایران و اروپا».

<http://www.chebayadkard.com/>



۱۳۰۴

۹. **آبان** مخالفت با تغییر سلطنت و استقرار سلطنت پهلوی و پیش‌بینی دیکتاتوری در سخنرانی تاریخی خود که از جمله گفته‌ها «اگر سرم را ببرند و تکه تکلم بکنند... زیر این حرفها تمسیروم... حالا عقیده شما این است که یک کسی در مملکت باشد که هم شاه باشد هم رئیس الوزرا هم حاکم...»

۱۵. **آبان** نشر کتاب «اصول و قواعد و قوانین مالیه در ممالک خارجه و ایران قبل از مشروطیت و دوره مشروطیت».

– (۱۳۰۴ - ۱۳۰۶) نشر چهار مقاله در مجله *آینه*: اولین مقاله تحت عنوان «تصویب بودجه در پارلمنتهای مختلف» (ن.ک.د. به «کتبشناسی مصنف و...» در همین مجموعه).

۱۳۰۵

۱۹. **تیر** (۱۹ تیر ۱۳۰۵ - ۲۲ مرداد ۱۳۰۷) نمایندگی مجلس شورای ملی در دوره ششم مخالفت با کلینت مستوفی الممالک به علت حضور و توثیق اذوله عاقد قرارداد ۱۹۱۹ و فروغی در این کابینه (۳۹ شهریور ۱۳۰۵): سخنرانی درباره راه‌آهن (۲ اسفند ۱۳۰۵، ۲۹ فروردین و ۹ اردیبهشت ۱۳۰۶): مخالفت با اختیارات علی اکبر تلور وزیر دادگستری هنگام طرح «لایحه تعدید اختیارات وزیر عدلیه» (۲۸ اردیبهشت ۱۳۰۶) و...

۱۳۰۸

– دوران لغزها در زندگی مصنف شروع می‌شود و تا شهریور ۱۳۲۰ (منقوط رضاشاه) ادامه می‌یابد پس از خاتمه دوره ششم چون با حکومت دیکتاتوری مخالف بود از قبول هر گونه خدمت دولتی امتناع کرد در دوره ششم با ۸-۱۷ رأی وکیل سوم تهران شد از دوره هفتم که دولت در انتخابات دخالت کرد به تلافی گفتمانیش و اعتراضاتش در مجلس پنجم و ششم دیگر انتخاب نشد و حتی یک رأی هم به نام او به ثبت نرسید، از محاسرت و حشر با جامعه اجتناب می‌کرد و اغلب در احمدآباد ساوجبلاغ به کشاورزی مشغول بود.^{۱۱}

۱۳۰۹

– اقدام جهت طبع و نشر کتاب «ممن قدیم» تألیف فوستل دوکولانز که به درخواست مصنف توسط نصرالله فلسفی به فارسی ترجمه شده بود.

۱۳۱۰

۱۲. **دی** درگذشت ملک تاج فیروز نجم السلطنه (مادرش).

۱۳۱۵

– سفر به برلین برای سالجه (به مدت ۲۸ روز).

۱۳۱۹

۵ تیر بازداشت از طرف شهربانی در زندان موقت تهران.

۱۶ تیر انتقال از زندان شهربانی تهران به زندان بیرجند.^{۱۸}

۱۴-۲۲ آذر انتقال به قریه احمدآباد (تحت نظر مأموران شهربانی) از زندان بیرجند.

۱۳۲۰

۳ شهریور حمله نظامی متفقین به ایران.

۵ شهریور محمدعلی فروغی به ریاست وزراء منصوب شد.

۲۵ شهریور استعفای رضاشاه

۳۱ شهریور مراسم سوگند محمدرضاشاه در مجلس.

۳۶ شهریور فرمان عفو عمومی.

۳۰ شهریور صدور اجازه خروج از احمدآباد از طرف فرماندار نظامی تهران سید احمد امیر احمدی و

رفع تعرض پلیس سیاسی پس از سقوط و استعفای رضاشاه.^{۱۹}

۱۳۲۲

۱۵ بهمن اعلام نتیجه انتخابات دوره چهاردهم در تهران و انتخاب مصدق به عنوان نماینده اول

تهران.

۱۴ اسفند افتتاح دوره چهاردهم قانونگذاری. اولین اقدام مصدق در همین جلسه (۱۴ اسفند) مجلس

مخالفت یا اعتبارنامه سیدضیاءالدین طباطبائی عامل کودتای ۳ حوت (اسفند) ۱۳۹۹ بود.

۱۶ اسفند سخنرانی تاریخی مصدق در مخالفت یا اعتبارنامه سیدضیاءالدین طباطبائی. پس از حدود

۱۲ سال انزوا و دوری از زندگی سیاسی این سخنرانی در واقع ادعاینامه نماینده اول تهران است علیه

دوران دیکتاتوری، آثار و عواقب آن.^{۲۰}

۱۳۲۳

۲۰ فروردین مصدق خواهان لغو اختیارات دکتر میلیسیو مستشار امریکایی دارایی شد که به موجب

قانون ۱۲ اردیبهشت ۱۳۲۲ استخفاف و دولتی در دولت ایران تشکیل داده بود. بالاخره تسلیم اقدامهای

مصدق در طول این سال در مجلس، منجر به انقای این اختیارات (۱۸ دی) و اخراج هیأت مستشاران

خارجی شد.^{۲۱}

۲۱ خرداد هشدار به دولت مساعد درباره وضع مالی کشور، نشر بی‌رویه اسکناس در زمان جنگ و تورم،

و (۲۱ مرداد) تأکید بر ضرورت اطلاع مجلس از اقدامهای نمایندگان دولت در کنفرانس پولی «یوتون

ووجز» در امریکا.

۲۷ آبان سخنرانی و گزارش مستدل مصدق درباره تقویت مجلس چهاردهم. مخالفت با اعطاء هر گونه

امتیاز و تأکید بر ضرورت اتخاذ سیاست موازنه منفی به دنبال گزارش (۲۷ مهر) مساعد نخست وزیر به

مجلس درباره مذاکرات شرکتهای امریکایی استاندارد و اکیوم و سینکلر و شرکت انگلیسی - هلندی شل با

دولت برای کسب امتیاز نفت، موکول کردن این مذاکرات به شرایط پس از پایان جنگ ورود کافتاراذره معاون وزارت خارجه شوروی به ایران برای کسب امتیاز نفت شمال و کنفرانس مطبوعاتی وی در سفارت شوروی (۲ آبان) پس از گزارش ساعد صینی بر فوریت تقاضای شوروی^{۲۲}.

۲۱ آبان مجلس چهاردهم به نخست وزیری دکتر مصدق اظهار تمایل نمود او قبول زمامداری را موکول به بازگشت به مجلس پس از پایان تصدی نخست وزیری کرد و چون این شرط پذیرفته نشد، از قبول شغل امتناع کرد^{۲۳}.

۱۱ آذر سخنرانی مصدق و تقدیم طرح تحریم امتیاز نفت به مجلس هنگام شور در برنامه دولت بیات و تصویب آن در همین جلسه به موجب این طرح هیچ یک از مقامات کشور حق نداشتند راجع به امتیاز نفت با خارجی‌ها مذاکره یا قرارداد منعقد نمایند و متخلفین به حبس مجرد از ۳ تا ۸ سال و انفصال از خدمات دولتی محکوم می‌شدند^{۲۴}.

۳ بهمن پیشنهاد استقلال مالی دانشگاه تهران توسط مصدق هنگام طرح گزارش کمیسیون بودجه و پذیرش آن در مجلس به عنوان تصریحی در قانون بودجه و در نتیجه تفویض اختیار کامل به شورای دانشگاه تهران مستقل از و بدون دخالت وزارت فرهنگ و معیشت دیوان محاسبات.

۱۲ بهمن سخنرانی در مجلس راجع به وضع زندانیان سیاسی که در بازداشتگاه‌های متعین (انگلیس و شوروی) در لراک و رشت در اسارت بودند مصدق ضمن طرح سؤال از وزیر خارجه عمل متفقین را که بر خلاف قرارداد و عهدنامه فیما بین بود و حق حاکمیت ایران را نقض می‌کرد تشریح کرد و دولت را موظف دانست نسبت به آزادی زندانیان اقدامات موثری بنماید زندانیان مزبور جمعاً در حدود ۱۴۰ نفر بودند و بین آنان چهار نفر از باتوان، همسران آلمانی ایرانیان و یک طفل نیز بوده است^{۲۵}.

۲۵ بهمن پیگیری اعلام جرم علیه علی سهیلی نخست وزیر سابق و سید محمد تدین وزیر کشور کلینت سهیلی، به اتهام مداخله علنی در انتخابات دوره ۱۴ قانونگذاری و سوءاستفاده از اموال دولتی، برای کسب اجازه تعقیب کیفری آنان در دادگستری. پس از طرح گزارش کمیسیون دادگستری در مجلس صینی بر برائت و منع تعقیب سید محمد تدین دکتر مصدق پیشنهاد کرد که گزارش مزبور از دستور خارج شود. زیرا «آبرویی برای دوره ۱۴ باقی نخواهد گذاشت».

۸ اسفند سخنرانی در باره اعلام جرم علیه سهیلی و تدین و لطاماتی که این گونه جرائم و مرتکبان آن به دموکراسی و حیثیت مجلس زده‌اند و تأکید بر ضرورت تعقیب سهیلی.

۱۳ اسفند دکتر مصدق تقاضا کرد که «پیرونده آقای تدین ۱۵ روز به اختیار این‌جانب گذاشته شود تا گزارشی از آن تقدیم مجلس کنم» چون به این پیشنهاد رأی گرفته نشد و اکثریت موافق نبود، مصدق گفت «اگر رأی نگیرید دیگر در این مجلس نمی‌مانم» و در برابر توهین برخی نمایندگان اضافه کرد «این جا مجلس نیست، این جا دزدگاه است» و با حال تعرض از مجلس خارج شد.

۱۵ اسفند به دنبال قهر دکتر مصدق جمع کسیری از دانشجویان روشنفکران، مدیران روزنامه‌ها و طبقات دیگر به منزل ایشان رفتند و ایشان را به مجلس بردند نزدیک میدان بهارستان مصدق را روی دست بلند کرده به سمت مجلس روانه شدند در میدان بهارستان بر اثر تیراندازی هوایی مأموران حکومت نظامی یک نفر کشته شد^{۲۶}.

۱۳۲۴

۳۱ فروردین طرح گزارش مفصل و مستدل دکتر مصطفی دربارۀ تدبیر علی‌رغم این گزارش و با وجود تذکرات مکرر، تصمیم در بارۀ اعلام جرم معوق ماند تا این که بالاخره در جلسۀ ۱۱ دی ۱۳۲۴ پس از سخنرانی مصدق، مجدداً مطرح شد و گزارش کمیسیون دادگستری مبنی بر برائت تدبیر مردود شناخته شد و پرونده برای رسیدگی به دیوان کشور ارسال شد. هم‌چنین، پروندۀ سهیلی بالاخره در جلسۀ نهم اسفند ۱۳۲۴ برای آخرین بار به بحث گذاشته شد و بعد از قریب دو سال مبارزه نتیجۀ این شد که به دیوان کشور ارجاع شود.^{۳۳}

۳۰ اردیبهشت سخنرانی در مجلس و دعوت نمایندگان به تشکیل اقلیت مرکب از ۲۰ نماینده برای مقابله با اقدامات مضر و بی‌رویه اکثریت در مجلس.



لیدر اقلیت مجلس چهاردهم

۱۵ خرداد اکثریت مجلس در جلسه‌ای از پیش طرح‌ریزی شده و فاقد حد نصابه تمایل خود را به نخست‌وزیری محسن صدر (صدر الاشراف) اظهار کرد و روز بعد فرمان نخست‌وزیری وی صادر شد. به دعوت دکتر مصدق از نمایندگان که در جلسه تمایل به صدر حاضر نبودند اقلیتی با شرکت ۲۱ نفر از نمایندگان در منزل ایشان تشکیل شد.

۲۳ خرداد ۲۰ نفر نمایندگان اقلیت به رهبری دکتر مصدق ضمن اعلامیه‌ای به نخست‌وزیری محسن صدر شدیداً اعتراض کردند و عمل اکثریت مجلس را شدیداً تفتیح نمودند با این تأکید که «تمام امور باید به دست اشخاصی قرار گیرد که مورد احترام و اعتماد جامعه باشند».

۲۹ خرداد صدر و هیأت وزراء برای معرفی کلینت در مجلس حاضر شدند و اسی کلینت به علت عدم صلاحیت صدر و سوابق وی در استبداد صغیر یا لوبستروکیون مانع تشکیل جلسه شد و بالاخره بر اثر فشاری اقلیت و شروع بحران آذربایجان این نخست‌وزیر سه ماه بعد (۲۹ مهر) استعفا کرد.^{۱۸}

۱۸ آذر سخنرانی در مجلس چهاردهم راجع به وقایع آذربایجان.

۲۴ آذر دکتر مصدق طی سخنرانی راجع به وقایع آذربایجان و طرح شکایات مردم در مجلس چنین نتیجه گرفت که «ما مردم آذربایجان که از مؤسین بزرگ، مشروطیت هستند نباید جنگ کرد، عقیده من این است که باید با آنها داخل مذاکره شد و رفع شکایت نمود و آنها را مطلع مرکز کرد».^{۱۹}

۱۵ دی رادیو لندن خبر داد که سفیر انگلیس و سفیر آمریکا در تهران از دولت خواستند با تشکیل یک کمیسیون سه نفری مرکب از نمایندگان آمریکا، انگلیس و شوروی برای بررسی اوضاع آذربایجان موافقت کند (در واقع به پیشنهاد وزیر خارجه انگلیس که به علت وقایع آذربایجان و احتمال سلطه شوروی در شمال نگران منافع غرضی انگلیس در جنوب ایران بود) بنابر این ادعای از وکلای مجلس به ابتکار مصدق (۱۶ دی) ضمن نامه‌ای به حکیمی نخست‌وزیر تأکید کردند که دولت حق اتخاذ هیچ تصمیمی که مستلزم دخالت خارجی در ایران باشد ندارد.

۱۸ دی چون جلسه مجلس دو روز متوالی تشکیل نشده بود دکتر مصدق در بیخیمای مسأله تشکیل کمیسیون سه جانبه تصمیم‌گیری درباره آینده ایران را به اطلاع مردم رساند و تأکید کرد که اقدامات دولت ممکن است منتهی به فرار گرفتن در «سارت بیگانگان» شود.

۱۹ دی مصدق در مجلس تأکید کرد که تشکیل این کمیسیون، به صورت دیگر فرورداد ۱۹۰۷ را در تقسیم ایران به دو منطقه نمود تجدید می‌کند. در نتیجه بر اثر اقدامات نماینده اول تهران و همکاری تشجیع دولت و دفاع حکیمی از اقدامات کابینه خود (۲۴ دی) در مجلس، مسأله منتهی شد.^{۲۰}

۲۳ بهمن روز ۱۹ مهر اکثریت مجلس قانون تحریم انتخابات را تصویب کرد و صدور فرمان شروع انتخابات دوره ۱۵ را موکول به تخلیه قوای بیگانه از خاک کشور نمود با این نیت که در پایان دوره مجلس ۱۲ تعدیل شود مصدق ضمن مخالفت با این قانون نظرش این بود که اول باید در قانون انتخابات تجدید نظر شود با نزدیک شدن پایان دوره چهاردهم و پیش‌بینی دوران فترت طولانی و هراسناک از نبودن مجلس و خودکامگی دولت در دوران فترت، برای جلوگیری از فترت پیشنهادهایی کرد که مورد توجه واقع نشد.

۷ اسفند تأکید مجدد در مجلس بر ضرورت تصمیم‌گیری عاجل برای جلوگیری از فترت که یازدهم بی‌نتیجه ماند.^{۲۱}

۱۲ اسفند سخنرانی درباره تخطیه ایران از قوای بیگانه که بر اثر مسأله آذربایجان با وجود خاتمه جنگ در ایران مانده بودند و اعتراض به عدم تخطیه ایران از نیروهای شوروی.^{۳۳}

۲۰ اسفند احمد کسروی مؤرخ و محقق و وکیل دادگستری در شعبه ۷ بازپرسی تهران در کاخ دادگستری و جناب (منشی او) به ضرب گلوله برادران امامی دو تروریست از اعضای فدائیان اسلام به قتل رسانند.

۲۱ اسفند پایان دوره چهاردهم مجلس. دکتر مصدق و عده کثیری از نمایندگان می‌خواستند بالاخره در روزهای آخر مجلس توتیبی مناسب برای ایام فترت ناده شود. قوام‌السلطنه و حزب توده هم که یا مطلق العنانی دولت در ایام فترت موافق بودند، جهت ممانعت از این کار، از روز ۱۵ اسفند تا آخرین روز مجلس عده زیادی را در میدان بهارستان گردآوردند و با اهانت و ضرب و شتم مانع ورود نمایندگان به مجلس و تشکیل جلسه می‌شدند. بسیاری از مسائل روز ناکفته و مساعی مصدق و دوستانش بی‌نتیجه ماند.^{۳۴}

۱۳۲۵

۲۲ دی تحسن، همراه با عطای از شخصیت‌های سیاسی، بلژریان و دانشجویان، در دربار علیه دخالت دولت قوام در انتخابات دوره پانزدهم مجلس.^{۳۵}

۱۵ بهمن اعلام نتیجه انتخابات تهران، اعتراضها و مبارزات انتخاباتی بی‌نتیجه ماند. بر اثر دخالت دولت در انتخابات و بر کرفتن صندوقهای رأی قبل از مهر و موم توسط نجمن نظارت و رأی‌گیری، دکتر مصدق نماینده اول تهران در دوره چهاردهم به مرتبه شانزدهم تنزل یافت و انتخاب نشد.

۱۳۲۶

۳۰ مهر گزارش مفصل احمد قوام نخست‌وزیر به مجلس چهاردهم راجع به مسافرت به مسکو (اسفند ۱۳۲۴) و مقولوله‌نامه نفت با شوروی در مجلس پانزدهم مطرح شد، ماده واحده پیشنهادی جمعی از نمایندگان در چهاربند به اکثریت ۱۰۲ رأی از ۱۰۴ نفر تصویب و مقولوله‌نامه قوام — سادچیکف «پلااتر وکان لم یکن» اعلام شد. به موجب بند آخر این ماده دولت مکلف شد برای احقاق حقوق تضرع شده ایران، در سایر مولود به خصوص نفت جنوب، اقدام کند.

۲۹ آذر پس از سقوط دولت قوام (۱۸ آذر) برای تعیین نخست‌وزیر، مجلس ۱۵ در مقابل ۵۳ رأی به دکتر مصدق، با ۵۴ رأی به ایرلیم حکیمی اظهار تمایل کرد.

۱۳۲۷

۲۴ خرداد پس از سقوط دولت حکیمی (۱۸ خرداد) عبدالحسین هژیر با رأی تمایل مجلس به نخست‌وزیری منصوب شد.

۱۷ آبان پس از استعفای هژیر، محمد ساعد مراغه با رأی تمایل مجلس به نخست‌وزیری منصوب شد. ۷ بهمن استیضاح عباس لسکنبری در مجلس پانزدهم — تقاضای لغو امتیاز نفت جنوب — حمله به حسن تقی‌زاده و اعتراضهای تاریخی تقی‌زاده درباره تحمیل قرارداد ۱۹۲۳ به دست رضاشاه به ایران.

۱۰ بهمن نامه دکتر مصدق به مجلس پانزدهم و پشتیبانی از اقلیت درباره مسأله نفت و تأیید استیضاح.

۱۴ بهمن تظاهرات دانشجویان برای الفای قرارداد نفت ۱۹۳۳.

۱۴ بهمن تعیین هیأتی به ریاست عیاشقلی گلشائیان از طرف دولت برای مذاکره با شرکت نفت.
 ۱۵ بهمن ترور نافرجام محمد رضا شاه در دانشگاه هنگام ورود به مراسم سالگرد تأسیس دانشگاه تهران در مقابل تالار دانشکده حقوق، یهانه مناسبی برای اعلام حکومت نظامی، توقیف روزنامه‌ها و ایجاد رعب و خفقان و توقیف مخالفان شد. از جمله بازداشت و تبعید آیت‌الله کاشانی به لبنان و تصویب قانون جدید مطبوعات برای محدود کردن آزادی مطبوعات معروف به قانون اقبال - زنگنه و غیرقانونی اعلام کردن حزب توده و بازداشت رهبران آن.

۱۲ اسفند لایحه اختناق مطبوعات به صورت ماده واحده‌ای در مجلس تصویب شد.

۱۹ اسفند فرمان تشکیل مجلس مؤسسان برای اصلاح قانون اساسی و متمام آن صادر شد.

۱۳۲۸

۱ اردیبهشت تشکیل مجلس مؤسسان (رجوع کنید به سخنرانی مصدق درباره مجلس مؤسسان و طرح او در مجلس شانزدهم برای لغاء مصوبات مجلس مؤسسان در همین مجموعه).

۲۸ تیر دولت ساعد قرارداد الحاقی گس - گلشائیان را به مجلس داد در کمیسیونهای دارایی و پیشه و هنر به سرعت تصویب شد.

۱ مرداد نمایندگان اقلیت مجلس پانزدهم یا پشتیبانی مصدق، خارج از مجلس، وقت جلسات را با سخنرانی خود تا پایان دوره مجلس (۶ مرداد) گرفتند و در نتیجه قرارداد به به رأی‌گیری و تصویب نرسید.

۲۴ شهریور نمایندگان اقلیت پیشین دوره پانزدهم، مدیران روزنامه‌ها و گروهی از آزادخواهان به خانه مصدق فراخوانده شدند. در این نشست مصدق مجلس مؤسسان ساختگی و اختیارات غیرقانونی شاه و سپس زمینه چینی‌های دولت برای ساختن مجلس شانزدهم را به یاد آورد و مردم را به بی‌کفایتی برای بر هم زدن نقشه‌های دولت فراخواند. جهت تنظیم برنامه مبارزه یک کمیسیون هفت نفری انتخاب شد.

۲۲ مهر مصدق برای اعتراض به انتخابات فرمایشی یا جمع‌کثیری به دربار رفت. چون تحصن این جمع در آن جا مقدور نبود بیست نفر تعیین شدند که در دربار تحصن کنند خواستار ابطال انتخابات در کشور و تأمین آزادی آن شدند. پس از چهار روز چون پاسخی دریافت نکردند به تحصن پایان داده و انتخابات را غیرقانونی اعلام کردند.^{۲۵} روزنامه *تاریخ* چاپ لندن در این باره نوشته: «... چون ۲۵۰۰ کاندیدا برای ۱۲۰ کرسی مجلس وجود دارند بعضی از کاندیداها که آمیدی به پیشرفت ندارند، شکایت می‌کنند»^{۲۶}

۱ آبان متحصنین دربار، در منزل دکتر مصدق جمع شدند و جبهه ملی اول را تأسیس کردند.

۷ آبان دکتر مصدق در انتخابات تهران برای مجلس سنا که در آن فقط با سوادین حق رأی داشتند نفر دوم شده بود چون انتخابات دو درجه‌ای بود لذا در این روز ۲۰ نفر حاکمین اکثریت به دعوت فرماندار

تهران از میان خود ۱۵ نفر را تعیین کردند. مصدق انتخاب نشد. او قبل از اخذ رأی، نام ۱۵ نفر مستخبین آن روز را که قبلاً با بقیه ائتلاف کرده بودند در پاکت در بسته در اختیار فرماندار تهران گذاشت که پس از اعلام نتایج رأی‌گیری، قرائت شود.

۱۳ آبان ترور عبدالحسین هزیر وزیر دربار و نخست‌وزیر سابق توسط امامی نامی (یکی از قاتلان کسروی) از اعضای فدائیان اسلام و به این بهانه، اعلام حکومت نظامی، بازداشت گروهی از اعضای جبهه ملی و تبعید دکتر مصدق به احمدآباد.^{۲۷}

۱۹ آبان ابطال انتخابات تهران: انجمن نظارت بطلان آراء مأخوذه را اعلام نمود سرتیب صفاری رئیس شهرپای که عامل اصلی تجاوز به صندوق آراء شناخته می‌شد برکنار و سرانشر فضل‌الله زاهدی به جای او منصوب گردید (۲۲ آبان). سید محمد صادق طباطبائی رئیس انجمن نظارت در انتخابات تهران چندی بعدی در مصاحبه‌ای مخدوش بودن انتخابات را تصدیق کرد و همان روز (۱۶ آذر) استعفا داد.^{۲۸}

۲۴ آبان مسافرت شاه به امریکا.

۱۶ آذر اعضای جبهه ملی با مساعد نخست‌وزیر ملاقات کردند و خواستار آزادی دوستان خود و رفع تبعید از دکتر مصدق شدند. اعضای جبهه ملی همان روز آزاد شدند ولی دکتر مصدق از بازگشت به تهران خودداری کرد و بنابر نوشته باختر امروز گفت تا مراجعت شاه در احمدآباد خواهد ماند اما کماکان از تبعیدگاه خود به راهنمایی مردم مشغول بود.^{۲۹}

۱۰ دی بازداشت مجدد دکتر مظفر بقائی از اعضای جبهه ملی به دستور رزم‌آرا رئیس ستاد ارتش، توسط مأموران حکومت نظامی و محاکمه و محکومیت سریع وی ظرف سه روز در دادگاه فوق‌العاده نظامی جهت ایجاد رعب و وحشت. او ظرف یک ماه پس از محکومیت آزاد شد ولی این محکومیت سبب افزایش خارق‌العاده محبوبیت او گردید.^{۳۰}

۲۹ دی بازگشت دکتر مصدق از احمدآباد.

۳ بهمن کنفرانس مطبوعاتی دکتر مصدق در خانه خود. او در این کنفرانس نظر جبهه ملی را درباره نحوه آزادی انتخابات و عدم دخالت مقامات انتظامی، انهاء حکومت نظامی و آزادی مطبوعات شرح داد. روز بعد (۴ بهمن) مصدق ضمن اعلامیه‌ای خواستار انهاء حکومت نظامی شد و آن را منابر آزادی فردی و اجتماعی دانست.^{۳۱}

۱۲ بهمن ملاقات سه ساعته دکتر مصدق با شاه پس از مراجعت وی از امریکا.^{۳۲}

۱۸ بهمن میتینگ بزرگ جبهه ملی در میدان بهارستان با شرکت ۱۵ الی ۲۰ هزار نفر که با توجه به جمعیت آن زمان تهران از عظمتی بی‌سابقه برخوردار شد. در این اجتماع دکتر مصدق به تصمیم دولت بر افتتاح مجلس قبل از پایان انتخابات تهران اعتراض کرد و مردم را فراخواند که برای پیروزی نمایندگان ملت و پیش بردن کار نعت برآیند. در همین روزها در دانشگاه تهران نیز تظاهرات کوبنده‌ای به سود انتخابات آزاد انجام شد.^{۳۳}

۲۰ بهمن افتتاح دوره اول مجلس سنا و دوره شانزدهم مجلس شورای ملی بدون حضور نمایندگان تهران.

۲۳ بهمن دکتر بقالی از زندان آزاد شد.

۲۵ بهمن خاتمه اخذ آراء انتخابات تهران.

۲۴ اسفند شملرش آراء در تهران که حاکی از بیروزی دکتر مصدق و کاندیدانهای جبهه ملی بود، پایین یافتند. ولی اعلام نتیجه نهایی موکول به تعیین تکلیف صندوق لوائیات گردید. در این روز دکتر مصدق در یک مصاحبه مطبوعاتی برنامه فراکسیون جبهه ملی را در مجلس شانزدهم «مخالفت با لایحه نفت و حفظ آزادیهای فردی و اجتماعی» اعلام کرد.^{۳۳}

۲۸ اسفند استعفای ساعد از مقام ریاست وزراء به ذبیالی اعلام جرم عباس اسلامی علیه او در مجلس.

۱۳۲۹

۳ فروردین شاه، علی منصور (منصورالملک) را بدون گرفتن رأی تمایل مأمور تشکیل کابینه کرد. دولت منصور روز ۲۲ فروردین از مجلس و ۲۶ فروردین از سنا رأی اعتماد گرفت.

۱۶ فروردین دولت مقررات حکومت نظامی را لغو کرد.

۲۲ فروردین انجمن نظارت در انتخابات تهران ابطال صندوق مورد اعتراض لوائیات را تصویب کرد و حائزین اکثریت را به این شرح اعلام نمود: دکتر مصدق به عنوان نماینده اول تهران با حدود ۳۱ هزار رأی از حدود ۶۵ هزار رأی مأخوذه در تهران انتخاب شد و پس از او به ترتیب دکتر مظفر بقائی، حسین مکی، حائریزاده، سیدابوالقاسم کاشانی، عبدالقدیر آزاد (از جبهه ملی)، جمال امامی (از منفردین)، دکتر علی شایگان و محمود نریمان (از جبهه ملی)، سعید محمد صادق طباطبائی، جواد مسعودی و میرسیدعلی بهبهانی (از منفردین)، حائز اکثریت بودند.

۵ اردیبهشت دکتر مصدق و شش نفر از نمایندگان جبهه ملی منتخب تهران برای اولین بار در مجلس شانزدهم حاضر شدند و مراسم تحلیف آنان در همان روز انجام گرفت. در همین جلسه دکتر مصدق مخالفت خود را با مصوبات مجلس مؤسسان یک بار دیگر اعلام کرد و از نخست وزیر خواست که قبل از هر چیز لوائح اصلاح قانون انتخابات و قانون مطبوعات مطرح شود.

۴ خرداد مصدق در مجلس به نام ملت به دخالت رزم آرا و اشرف پهلوی در کارهای دولت اعتراض کرد مجلس مؤسسان ساختگی را غیر قانونی دانست و نشان داد که حق دست بردن در قانون اساسی را نداشته است. از بدی لوائح و طرز کار نمایندگان سخن گفت و به تفصیل به بیان انتظارات جبهه ملی از نخست وزیر درباره قانون مطبوعات، قانون حکومت نظامی و قانون انتخابات و اخذ تصمیمات لازم برای رفاه عمومی پرداخت.^{۳۴}

۴ خرداد مخالفت با کابینه رزم آرا.

۱۱ خرداد تصویب اعتبارنامه های وکلای تهران به استثنای آیتالله کاشانی که هنوز در لبنان بود، به بعد موکول شد.

۱۸ خرداد مصدق در مجلس تأکید کرد که «برای استقرار حکومت ملی و تأمین آزادیهای فردی و اجتماعی شان مجلس شورای ملی اینست که چند لایحه مهم اساسی یعنی لایحه قانون انتخابات و قانون محاکمات مطبوعاتی و اصلاح قانون حکومت نظامی، پیش از اقدام به هر امر دیگری به تصویب برسد».^{۳۵}

۲۰ خرداد آیتالله کاشانی که پس واقعه ترور شاه (۱۵ بهمن ۱۳۲۷) به لبنان تبعید شده بود، بر اثر تقاضای دولت به تهران بازگشت و جبهه ملی و مردم تهران استقبال شایانی از وی به عمل آوردند. علی

منصور نخست‌وزیر پس از گرفتن رأی اعتماد تلگرافی برای آیت‌الله کاشانی به بیروت فرستاد و ضمن درخواستی در خواست کرد که به ایرلن باز گردد.^{۳۲}

۲۳ خرداد مصدق جهت انقائ مصوبات مجلس مؤسسان ۱۳۲۸ برای امضای نمایندگان و طرح در مجلس، طرحی پیشنهاد کرد.^{۳۳}

۲۳ خرداد علی منصور نخست‌وزیر از مجلس خواست که قرارداد الحاقی گس - گلشانیان در دستور قرار گیرد و کمیسیون خاصی برای این موضوع تشکیل شود.

۲۸ خرداد قرائت نامه آیت‌الله کاشانی در سخنرانی قبل از دستور در مجلس که حاوی نکات ذیل بود - نفت ایران متعلق به ملت ایران است؛ کسانی که مرا تبعید کردند باید مجازات شوند؛ قتل ناصر فخرآزایی (ضارب شاه در روز ۱۵ بهمن ۱۳۲۷) مانع کشف دسیسه خائنین شد؛ ملت ایران زیر بار دیکتاتوری نمی‌رود؛ تصمیمات مجلس مؤسسان اعتبار ندارد. دکتر مصدق پس از قرائت این نامه اضافه کرد که «همی‌دانم چرا آقایان محترم در تصویب طرحی (انقائ مصوبات مؤسسان) که جلسه قبل پیشنهاد کرده‌ام تأمل فرمودند»^{۳۴}

۲۸ خرداد دکتر مصدق با رویه نخست‌وزیر مخالفت کرد و گفت مسأله ایجاب می‌کند که مثل یک نخست‌وزیر دولت مشروطه «لایحه را تقدیم بکنید و از لایحه خودتان - و از نظر خودتان دفاع کنید» و به عبارت دیگر اگر موافق نیستید لایحه‌ای را (لایحه نفت: گس - گلشانیان) که دولت مساعد به مجلس داده پس بگیرند.^{۳۵}

۳۰ خرداد مجلس تصمیم گرفت لایحه قرارداد الحاقی را قبل از طرح در جلسه عمومی، به کمیسیون مخصوصی ترجاع کند. مصدق باز در همین جلسه طی سخنان مفصلي راجع به وظایف دولت تأکید داشت قبل از آن که دولت منصور خود نظرش را، راجع به لایحه بدهد و از آن دفاع کند و یا پس بگیرد مجلس هیچ اقدامی نباید و نمی‌تواند بکند. زیرا لایحه مربوط به دولت است.

۱ تیر ۱۸ نفر اعضای کمیسیون نفت از جمله دکتر مصدق و پنج نفر دیگر از اعضای فراکسیون وطن (جبهه ملی) به عضویت کمیسیون انتخاب شدند.

۵ تیر مصدق به ریاست کمیسیون مخصوص نفت انتخاب شد.

۵ تیر کناره‌گیری منصور از نخست‌وزیری، رزم‌آرا، برخلاف سنت مشروطیت بدون رأی تمایل مجلس از سوی شاه مأمور تشکیل کابینه شد.

۶ تیر رزم‌آرا برای معرفی هیأت دولت در مجلس حاضر شد و مورد اعتراض شدید نمایندگان عضو فراکسیون وطن (جبهه ملی) قرار گرفت. آنها فریاد می‌زدند: «برای چه آمدی»، «ملت ایران زیر بار دیکتاتور نمی‌رود»، «از مجلس بیرون برو»! دکتر مصدق قبلاً در همین جلسه بیانییه جبهه ملی را قرائت کرد، به این شرح که «مطامع بیگانگان... می‌خواهد زیر عنوان «حکومت قوی» خاطره استبداد صغیر را تجدید کنند. جبهه ملی... به هیچ وجه زیر بار تحمیل حکومتی که با تشبیه به اجانبیه به رغم تمایلات عمومی روی کار آمده است موافقت نخواهد کرد». مصدق خود اضافه کرد که «اگر از طریق آزادی و دموکراسی نتوانیم کاری بکنیم، از طریق اختناق و زور و قلندی برای مردم ناراضی نمی‌توانیم کاری بکنیم. ما باید قانون انتخابات، مطبوعات و حکومت نظامی را که مخمل آزادی و ترقی مملکت است اصلاح کنیم».^{۳۶}

۱۳ تیر رزم‌آرا از مجلس رأی اعتماد گرفت (۹۵ رأی از ۱۰۶ نفر عده حاضر در جلسه). هنگام سخنرانی رزم‌آرا، اعضای اقلیت مجلس به شدت معترض بودند و با کوبیدن دستهای جلوی صندلیها به اعتراض خود در طول سخنان رزم‌آرا ادامه دادند در همین جلسه دکتر مصدق در مخالفت با دولت رزم‌آرا و برنامه این دولت صحبت کرد. رزم‌آرا روز ۱۹ تیر نیز از مجلس سنا رأی اعتماد گرفت (۲۵ رأی از ۳۹ نفر عده حاضر).

۲۲ تیر رزم‌آرا طرح جدیدی برای تشکیل «انجمنهای محلی» تحت عنوان «قانون سازمان اداری کشور» با قید یک فوریت به مجلس داد. این لایحه در حقیقت منطبق با سیاست انگلیس و شوروی یعنی ایجاد مناطق نفوذ در ایرلن تأقی می‌شد و هنگام طرح فوریت آن مورد مخالفت شدید دکتر مصدق و فراکسیون جبهه ملی قرار گرفت که آن را همسنگ پیشنهاد کمیسیون سه جانبه سال ۱۳۳۲ فسرده و وسیله تجزیه کشور دانستند و اعلام کردند (جلسه ۲۲ تیر) که انجمنهای ایالتی و ولایتی را که بر طبق قوانین موجود تشکیل گردد، لازم و مقید می‌نمایند بر فرضی که پارهای از مواد تفسیر کند و به عکس یا هر قانون دیگری که با اعمال وسیله تجزیه مملکت فرار گیرد ولو آن که ظواهر آن هم فریبنده و جالب تهیه شده باشد مخالفتند.^{۳۳}

۳۰ مرداد دکتر محمد سجادی که بنابر تصمیم دولت برای اجرای قانون تصفیه کارمندان دولت مصوب تیر ماه ۱۳۳۸ مأمور شده بود صورت کارمندان تصفیه شده دولت را اعلام کرد به موجب این صورت عده‌ای که در بند (ج) قرار گرفته بودند، باید از خدمت اخراج می‌شدند.

۱۹ شهریور به علت تعلل و عقب‌نشینی دولت رزم‌آرا در اجرای قانون تصفیه کارکنان دولتی دکتر مصدق در مجلس نخست‌وزیر را فردی فاقد صلاحیت برای اداره مملکت دانست.^{۳۴}

۲۷ شهریور کمیسیون نفت مجلس ده روز به دولت فرصت داد تا عقیده خود را نسبت به لایحه الحاقی نفت بیان کند در غیر این صورت دولت استیضاح می‌شود.

۶ مهر دولت رزم‌آرا به علت تعلل در استیفای حقوق ملت ایرلن از کمیته نفت جنوب و عدم اجرای قانون ۲۹ مهر ماه ۱۳۳۶ مجلس پانزدهم، از طرف مصدق، حاتری‌زاده، صالح، دکتر محمد علی هدایتی، دکتر حسن علوی اعضای کمیسیون نفت، استیضاح شد.

۲۷ مهر بر اثر استیضاح دکتر مصدق و برخی دیگر از اعضای کمیسیون نفت و سخنان دکتر مصدق و پافشاری استیضاح‌کنندگان، رزم‌آرا مجبور شد رسماً دفاع از لایحه الحاقی را بپذیرد و گفت «وقتی دولتی پرونده امر را تسلیم و نماینده خود را معرفی کرده قطعاً موافق بوده، چه اگر موافق با لایحه نبود، نه پرونده تسلیم و نه نماینده معرفی می‌شد». در نتیجه مجلس به استیضاح رأی سکوت داد.^{۳۵}

۴ آذر در بیست و دومین جلسه کمیسیون نفت پس از ملاحظه نامه وزیر دارایی و پاسخ دکتر مصدق، پیشنهاد ملی شدن «صنعت نفت ایرلن در تمام مناطق کشور بدون استثناء» از طرف نمایندگان عضو جبهه ملی مطرح شد و کمیسیون پس از شور در جلسه سری به اتفاق آراء به این نتیجه رسید که «فرزاد الحاقی مساعد - کس برای استیفای حقوق ایرلن کافی نیست، لذا مخالفت خود را با آن اظهار می‌دارد».^{۳۶} گزارش کار و نظر کمیسیون در جلسه ۱۹ آذر به اطلاع مجلس رسید.

۶ آذر بنا بر قرار صادر شده از سوی دادگاه جنائی تهران، دادستان ارتش و دادگاه نظامی صلاحیت رسیدگی به پرونده متهمین حزب توده را نداشتند و تمام تصمیمات آنها ملئی الاثر و مرجع صالح برای رسیدگی دادسرای استان تهران است.

۲۴ آذر دانشجویان طرفدار جبهه ملی به پیروی از شعار «همه چیز برای ملی شدن نفت» در دانشگاه تظاهرات وسیعی برپا کردند دانشجویان توده‌ای نیز زیر شعار «الفاء بدون قید و شرط امتیاز نفت جنوب» به میلان آمدند.^{۴۵}

۲۴ آذر فرار جمعی سران حزب توده از زندان قصر - نژ جمله، دکتر مرتضی یزدی، جوهرت، کیانوری، اکبر شاتردرمنی، احمد قاسمی، نوشین.

۲۶ آذر گزارش کمیسیون نفت در جلسه مجلس قرائت شد و پیشنهاد ملی کردن صنعت نفت به اعضای یازده نفر از نمایندگان تقدیم گردید.

۲۷ آذر به علت تجاوز به آزادی مطبوعات و اعلامه سانسور عدلای نژ مدیران جراید در مجلس متحصن شدند.

۲۸ آذر دکتر شایگان و محمود نریمان در مجلس درباره ضرورت ملی شدن صنعت نفت به تفصیل سخن گفتند.

۳۰ آذر اجتماع دانشجویان دانشگاه تهران در میدان بهارستان به حمایت از ملی شدن صنعت نفت. ۱ دی به دعوت آیت‌الله کاشانی اجتماع بزرگی در مسجد شاه در حمایت از ملی شدن صنعت نفت تشکیل شد.

۲ دی جمع کثیری از مدیران روزنامه‌ها در عمارت بهارستان برای تحصن حاضر شدند ولی پس از مذاکره با ستاورها ده نفر باقی ماندند و بقیه خارج شدند علت این بود که فشار دولت به مردم و مطبوعات افزایش پیدا کرد روزنامه‌ها توقیف شدند دکتر فاطمی و چند تن از روزنامه‌نگاران ملی به زندان افتادند دکتر مصدق دستور داد نمایندگان جبهه ملی چاپخانه‌هایی را که مورد تعرض بودند خانه خود بنامند و زیر چتر مصونیت پارلمانی قرار دهند و خود نیز روزنامه‌ها را در خیابانها بفروشند در شهرها مردم نوارهای سه رنگ یا شعار «نفت باید ملی شود» به سینه می‌زدند و گروهی به زندان می‌رفتند و عده نمایندگان طرفدار ملی شدن افزایش می‌یافتند.^{۴۷}

۵ دی غلامحسین فروهر وزیر دارایی در جلسه مجلس قرارداد الحاقی را مسترد کرد علت این بود که نمایندگان جبهه ملی در جلسات ۲۶ و ۲۸ آذر طرح ملی شدن را دنبال کرده بودند، پیام دکتر مصدق که مریض بود در این جهت در خصوص منافع اقتصادی ملی شدن صنعت نفت در جلسه (۲۶ آذر) قرائت شد، لذا سپهبد رزم‌آرا برای جلوگیری از تصویب طرح ملی شدن و اعلامه مذاکره برای کنار آمدن با شرکت نفت تصمیم به استرداد قرارداد الحاقی گرفت. وی قصد دولت را در جلسه ۲ دی مجلس فاش کرده بود.

۸ دی میتینگ عظیمی در میدان بهارستان برقرار گردید مردم هم خواستار ملی شدن نفت و هم آزادی مطبوعات بودند. در این اجتماع ضمن تفسیح اعمال دولت از مجلس تقاضا شد تا برای آزادی مطبوعات اقدام جدی صورت گیرد و قانونی برای مطبوعات تهیه آن چه در میان مثل آزاد دنیا متداول است تهیه شود. کار متحصنین در مجلس به اعتصاب غذا کشید.

۱۴ دی طرحی از سوی نمایندگان با امضاهای کثیری به مجلس داده شده به این شرح که « کلیه قوانین مربوط به مطبوعات به استثنای قانون پنجم محرم ۱۳۲۶ قمری (۱۰ حوت ۱۳۲۷) ملغی است.»^{۸۸}

۱۴ دی مجلس با تصویب ماده واحده‌ای بیانات وزیر دلرایی را در جلسه سه‌شنبه راجع به نفت بدین شرح که «به هیچ‌وجه مورد تصدیق مجلس شورای ملی نمی‌باشد» مردود دانست و فروهر نیز مجبور به کناره‌گیری شد.

۱۹ دی طرح انشاء کلیه قوانین مطبوعات در مجلس و سپس در سنا تصویب شد و اثر قانون ظالمانه «قبال - زنگنه» علیه مطبوعات خنثی شد عصر این روز تحصن مدیران مطبوعات با دعوت رئیس مجلس در یک پذیرایی عصرانه پایان گرفت و دکتر مصدق در همین جلسه سخنرانی کرد.

۲۱ دی گزارش کمیسیون نفت در مخالفت با لایحه قرارداد الحاقی در مجلس تأیید شد.

۲۷ دی مجلس طرحی را تصویب کرد که به موجب آن کمیسیون نفت ظرف دو ماه رویه و وظیفه دولت را در حل مسأله نفت تعیین نماید.

۳ بهمن لایحه اصلاح قانون حکومت نظامی به تصویب رسید. به موجب این قانون، از جمله اعلام حکومت نظامی باید فقط با تصویب مجلسین باشد.

۲۱ بهمن رزم‌آرا در مذاکره با نماینده کمیایی نفت یار دیگر مسأله تقسیم ۵۰ - ۵۰ منافع نفت را مطرح کرد و شرکت سابق با تصرف عوارض مخالفت کرد.

۲ اسفند رزم‌آرا در برابر نمایندگان کمیسیون نفت اظهار داشت که به شرط خودداری از ستابزدگی با فکر ملی کردن صنعت نفت مخالف نیست.

۱۶ اسفند ترور رزم‌آرا توسط خلیل طهماسبی از اعضای فدائیان اسلام.

۱۷ اسفند دکتر مصدق پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت را در کمیسیون نفت مطرح کرد و تصویب شد.

۱۸ اسفند تظاهرات پر دامنه جبهه ملی برای ملی شدن نفت در میدان بهارستان.

۲۱ اسفند حسین علاء مأمور تشکیل کابینه شد.

۲۴ اسفند تصویب اصل ملی شدن صنعت نفت در مجلس.

۲۹ اسفند تصویب نهایی اصل ملی شدن صنعت نفت در مجلس سنا.

۱۳۳۰

برای برخی جزئیات مسائل نفت در سال ۱۳۳۰، به گاه‌شمار مندرج در شماره ۲۵۱۳ صفحه ۵۶ - ۶۲ نیز مراجعه شود.

۵ اردی‌بهشت طرح ۹ ماده‌ای قانون اجرای اصل ملی شدن نفت در کمیسیون نفت به تصویب رسید.

۶ اردی‌بهشت حسین علاء استعفا کرد.

۷ اردی‌بهشت دکتر مصدق با دریافت رأی تمایل از مجلس مأمور تشکیل کابینه شد.

۹ اردی‌بهشت قانون اجرای اصل ملی شدن نفت به تصویب مجلسین رسید.

۹ اردی‌بهشت نخستین پیام مصدق از رادیو خطاب به ملت ایران در مقام نخست‌وزیری.

۱۲ اردی بهشت معرفی هیأت وزیران و تقدیم برنامه دولت به مجلس مصدق برنامه دولت خود را به این شرح اعلام نمود: ۱. اجراء قانون ملی شدن صنعت نفت، ۲. اصلاح قانون انتخابات مجلس و شهرداریها.

۱۳ اردی بهشت مصدق از زندان دیپن کرد و گفت «این جا قتلگاه بسیاری از صاحبان افکار روشن و آزاد بوده است»

۱۵ اردی بهشت طرح و تصویب برنامه دولت مصدق و ابراز رأی اعتماد در مجلس و سخنرانی مصدق.

۱۵ اردی بهشت تقدیم لایحه عفو زندانیان به مجلس.

۱۷ اردی بهشت سخنرانی در مجلس.

۲۲ اردی بهشت انتخاب ۵ نفر اعضای هیأت مختلط برای اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت در مجلس شورای ملی و در مجلس ستا.

۲۲ اردی بهشت دکتر مصدق در جلسه علنی مجلس شورای ملی اظهار نمود توطئه‌های بسیاری که کشتن من چیده شده است. بنا بر این از امروز در مجلس تقاضای خوارم نمود.

۲۳ اردی بهشت شروع اقامت مصدق در مجلس و پس از آن انتقال محل کار به خانه شخصی به جای دفتر نخست‌وزیری کلخ اینص.

۲۶ اردی بهشت تأسیس حزب زحمتکشان ملت ایران با شرکت دکتر مظفر بقائی، خلیل ملکی، علی زهری مدیر روزنامه شاهد، جلال آل احمد و... تعیین روزنامه شاهد به عنوان ارگان حزب.

۲۹ اردی بهشت معرفی دکتر حسین فاطمی به مجلس به عنوان معاون پارلمانی نخست‌وزیر.

۳۰ اردی بهشت پیام مصدق به خبرنگاران داخلی و خارجی. او در این پیام گفت «تا چند روز قبل که نماینده مردم در مجلس در صف اقلیت بودم برای رفع بدبختی آنها غیر از آه و ناله کار دیگری نداشتم ولی بعد که در رأس دولت واقع شدم و باید خود چاره‌جویی و رفع بدبختی‌ها را بکنم دستهای بسته و پاهایم را نیز می‌خواهند طوری ببندند که حتی یک قدم نتوانم حرکت نمایم».

۳ خرداد مصاحبه مطبوعاتی مصدق با خبرنگاران داخلی و خارجی راجع به اوضاع خاورمیانه و استقلال سیاسی و اقتصادی؛ حق حاکمیت ملت و علت بقض مردم ایران نسبت به شرکت نفت.

۱۳ خرداد سید مجتبی نواب صفوی رهبر فدائیان اسلام توسط مأمورین آگاهی دستگیر و زندانی شد به هنگام بازداشت اظهار داشت حکومت ایران باید توسط خلیفه مسلمان اداره شود.

۱۸ خرداد هیأت نظارت بر خلق ید مرکب از نمایندگان کمیسیون مختلط دو مجلس و نماینده دولت و هیأت مدیره موقت عازم خوزستان شدند.

۲۰ خرداد ورود هیأت نمایندگی شرکت سابق نفت به ریاست جکسون، وی اعلام کرد در مذاکرات آماده است «توسی ملی شدن» که شرکت سابق در آن به جای خود بماند را با برقراری رژیم ۵۰/۵۰ (تصفیای منافع) به رسمیت بشناسد.

۲۰ خرداد برچم ایران برفراز ساختمان مرکزی شرکت سابق نفت در خرمشهر مستقر شد.

۲۱ خرداد پیام مصدق به دانشجویان ایرانی مقیم خارج از کشور.

۲۴ خرداد پیام مصدق خطاب به کارگران و کارمندان مناطق نفت‌خیز.

۲۹ خرداد دکتر مصدق طی پیامی به مردم اطلاع داد که پیشنهادهای هیات جکسون (از مدیران شرکت سابق نفت انگلیس و ایران) با قانون ملی شدن صنعت نفت منافات داشت و مورد قبول واقع نشد.

۳۰ خرداد سخنرانی مصدق در مجلس: گزارش ختم کار خلع بد (۲۹ خرداد) و تقاضای رأی اعتماد و سپس پیام رادیویی درباره انجام خلع بد.

۴ تیر مصدق در پیامی به کارگران و کارمندان خارجی مناطق نفتخیز خاطر نشان کرد که برخلاف شایعات تحریک‌آمیز هیچ‌گونه تگرانی نسبت به مال و جان و رفاه و آسایش شما قابل تصور نیست. اگر بخواهید فعالیت خود را در کار نفت ادامه دهید، کتراتهایی که شرکت سابق با شما امضا کرده به قوت خود باقی است.

۵ تیر پیام مصدق به ترومن رئیس جمهور ایالات متحده در باره تحریکات انگلستان و اراده مقاومت ملت ایران و نشر اخبار بی‌اساس از طرف شرکت نفت.

۱۱ تیر مصدق در مصاحبه با مخبر خیرگزاری/پنترنامتال نیوز سرویس (بخش اروپایی) گفت هدف ملی کردن جلوگیری از دخالت دیگران در امور داخلی است.

۱۲ تیر پیام رادیویی مصدق به مناسبت جنبش خودجوش کمک مادی به دولت ملی.

۱۶ تیر پیام مصدق در ذم بستسازی زمانی که عده‌ای می‌خواستند از او مجسمه‌ای تهیه کنند و در محلی نصب نمایند مصدق در این پیام گفته «اصولاً عقیده دارم هر کس خود را برای خدمتگزاری آماده می‌کند، اثر معنوی اقدامات خویش را نباید با زخارف زودگذر مادی برابری کند. بزرگترین پاداش خدمات ملی و اجتماعی آرامش وجدان است.» و لعنت کرد هر کس را که «بخواهد در حیات و مقام به نام من بشوید و مجسمه بریزد زیرا هنوز رعایت وجدان برای من حاصل نشده و آن روز که حاصل شود تازه نشانه انجام وظیفه است که هر کس بدان مکلف می‌باشد و حقاً سزاوار خوشبختی باشد نیست.»

۱۶ تیر گزارشی وزیر خارجه به مجلس درباره بی‌ارزشی بونج دستور موقت دیوان بین‌المللی در لاهه.

۱۷ تیر پاسخ ترومن به نامه مصدق و پیشنهاد قبول میانجیگری اورل هرمن یکی از مشاوران نزدیکش.

۱۸ تیر طرح برخی از نمایندگان راجع به ترتیب رسیدگی به لورق معروف به «سندخانه سدان» و قرائتنامه و گزارش دکتر مصدق نخست‌وزیر در این باره در جلسه مجلس.

۲۰ تیر سخنرانی در مجلس و تقدیم سه لایحه در باره مسائل پولی و ارزی و نیز لایحه اجازه انتشار لورق قرصه ملی.

۲۰ تیر پیام مصدق به ترومن و پذیرش میانجیگری اورل هرمن.

۲۳ تیر اورل هرمن نماینده مخصوص رئیس جمهور آمریکا وارد تهران شد.

۲۳ تیر جمع‌کنی از کارگران و اعضاء حزب نوده به عنوان سالروز اعتصاب کارگران شرکت نفت در خوزستان و در واقع به نشانه اعتراض به ورود فرستاده رئیس جمهور آمریکا تظاهرات وسیعی ترتیب دادند. این تظاهرات منجر به تیراندازی مأموران انتظامی و کشته شدن حدود بیست نفر و مجروح شدن عده‌ای گردید.



هیأت نظارت بر خلع ید در خوزستان

از راست به چپ: ابولحسن وزری (شاعر معروف و از کارکنان صنعت نفت)، مهتس محمد بیات (هیأت مدیره موقت)، دکتر احمدتین دفتری (نماینده هیأت مختلط مجلسین)، دکتر شمس‌الدین امیرعلایی (نماینده دولت)، ناسرفنی اردلان (نقر جلو، نماینده هیأت مختلط مجلسین)، دکتر علی‌آبادی (هیأت متبره موقت)، مهندس مهدی بازرگان (هیأت مدیره موقت)، حسین مکی (نماینده هیأت مختلط مجلسین)

۲۵ تیر مجلس طبق ماده واحده‌ای رسیدگی به اوواق «خانه سلیمان» را به اختیار کمیسیون منتخب نخست‌وزیر گذاشت.

۲۷ تیر به دستور دکتر مصدق، سرلشکر حسن یقانی رئیس شهرقانی که به روی مردم آتش گشوده بود از کار برکنار و تحت تعقیب فرار گرفت.

۱ مرداد به دنبال وقایع ۲۳ تیر سرلشکر زاهدی وزیر کشور ناچار به کناره‌گیری شد.

۴ مرداد به دنبال تهدید دولت انگلستان، تعداد کشتی‌های جنگی بریتانیا در آبادان افزایش یافت.

۸ مرداد آخرین قسمت از پالایشگاه آبادان از کار باز ایستاد.

۸ مرداد اوّل هریمین که پس از مذاکره با دکتر مصدّق به لندن رفته بود مجدداً به تهران بازگشت.
 ۱۲ مرداد نمایندگان دولت انگلستان به سرپرستی ریچارد استوکس مهربار سلطنتی و وزیر مشاور کلّیه اتلی وارد تهران شدند. ورود این هیأت را مصدّق منوط به شناسایی اصل ملیّی شدن صنعت نفت کرده بود که مورد پذیرش دولت انگلیس قرار گرفت.

۱۳ مرداد تصویب قانون انتشار لورلی قرضه ملیّی در مجلس و سخنرانی دکتر مصدّق درباره مذاکره با اوایل هریمین و گزارش قبول اصل ملیّی شدن صنعت نفت از طرف انگلستان و رسیدن قریب الوقوع هیأت استوکس برای مذاکره با دولت.

۱۴ مرداد مذاکرات هیأت استوکس با نمایندگان ایران آغاز شد.

۲۱ مرداد پس از دیدار از ایاظن استوکس پیشنهادات خود را در هشت ماده ارائه داد.

۲۹ مرداد مذاکرات با استوکس به بن‌بست کشید او در نامهای به مصدّق اتمام حجت کرد که اگر

پیشنهاد او را مبنی بر انتصاب یک مدیرعامل انگلیسی نپذیرد از ادامه مذاکرات خودداری خواهد کرد.

۳۰ مرداد گزارش مصدّق به مجلسین راجع به شکست مذاکرات با هیأت استوکس درباره نفت و تقاضای رأی اعتماد و اخذ رأی اعتماد در سنا با ۴۱ رأی و در شورا به اتفاق آراء.

۳۱ مرداد به دنبال مذاکراتی که ساعت ۸ بعدازظهر روز قبل (۳۰ مرداد) بین مصدّق و استوکس انجام شد نماینده انگلستان در حالی که پیشنهادات جدید مصدّق را راجع به فروش نفت به مشتریان سابق، استفاده از متخصصین خارجی، و غرامات، به همراه داشته تهران را ترک کرد مصدّق در یادداشت خود خاطر نشان کرد هراجع به جریان امور فنی و اداری که تقاضا فرموده اید ترتیبی داده شود که کارمندان انگلیسی بتوانند به خدمت ادامه دهند، در صورتی که راجع به مسأله فروش نفت و غرامت نظریات دولت شاهنشاهی را مورد توجه قرار بنهید، در اینجا یک دستگاه [تشکیلات] اطمینان بخش توافق خواهیم کرد.^{۴۰}

۱ شهریور هریمین تهران را ترک گفت.

۱۳ شهریور مصدّق ضمن گزارش به مجلس و پاسخ به سخنرانی دو نفر از سناتورها اعلام کرد که پس از انقضای ۱۵ روز مهلت به انگلیس برای تجدید مذاکراته جواز اقامت کارشناسان انگلیسی لغو خواهد شد در همین جلسه تقاضای رأی اعتماد کرد از ۲۸ نفر سناتور حاضر در جلسه ۲۶ نفر به دولت رأی اعتماد دادند.

۱۷ شهریور گزارش به مجلس راجع به امور نفتی وقایع ۲۳ تیر، کارشناسان انگلیسی، پرداخت خسارت به شرکت سابق و فورمول پیشنهادی ایران برای مذاکره با انگلیس.

۲۳ شهریور باشگاه مرکزی حزب لراة ملیّی به رهبری سید ضیاءالدین طباطبائی افتتاح شد.

۲۷ شهریور مصدّق در نامهای برای هریمین اطلاع داد که دولت ایران پیشنهادی مبتنی بر ۴ اصل به انگلستان خواهد داد.

۳۰ شهریور هریمین در پاسخ مصدّق گفت مطلب تازه‌ای در پیشنهاد دولت ایران دیده نمی‌شود و نمایندگان انگلستان آن را نمی‌پذیرند.

۲ مهر هیأت مدیره موقت امور اجرای خلع ید به آن عده از کارشناسان انگلیسی که هنوز در ایادان بودند، اخطار کرد که باید ظرف یک هفته ایران را ترک کنند.



میهمانان نخست‌وزیر در ضیافت منزل دکتر غلامحسین مصدق

اورل هرین نماینده مخصوص رئیس جمهور آمریکا روز ۲۲ تیر وارد تهران شد
از راست به چپ: حسین علاء (وزیر حربار)، بانو هرین، دکتر محمد مصدق، اورل هرین،
بانو شکله مصدق (همسر دکتر غلامحسین مصدق)

۵ مهر دولت انگلستان از ایران به شورای امنیت ملل متحد شکایت کرد.

۱۳ مهر سخنرانی مصدق در مجلس راجع به جریان شکایت دولت انگلستان به شورای امنیت ملل متحد و ضرورت مسافرت به نیویورک و معرفی باقر کاظمی وزیر امور خارجه به کفالت نخست‌وزیری در غیاب خود.

۱۴ مهر مسافرت دکتر مصدق به آمریکا برای شرکت در جلسه شورای امنیت ملل متحد.

۲۲ مهر حضور در جلسات شورای امنیت و دفاع از حقایق ملی شدن صنعت نفت. این جلسات به مدت ۴ روز ادامه داشت. دکتر مصدق بر عدم صلاحیت دیوان دادرستی بین‌المللی تأکید کرد و در عین حال آمادگی ایران را برای مذاکره در مورد فروش نفت و مسأله غرامت اعلام کرد.

۳۶ شهر شورای امنیت شکایت انگلستان را مسکوت گذاشت تا این که حکم دیوان دادگستری بین‌المللی صادر شود.

۳۰ مهر مصدق ولرد ولایتکن شد و در مدت اقامت در ولایتکن با رئیس جمهور امریکا ملاقات کرد
۴ آبان انتخابات در انگلستان به سقوط دولت کارگر و روی آن کار امنیت محافظه کاران و نخست‌وزیری چرچیل انجامید.

۷ آبان هنگامی که مصدق هنوز در امریکا بود از طرف دانشجویان وابسته به حزب توده تظاهراتی صورت گرفت که منجر به زد و خورد با پلیس شد. دولت برای دوری از هر نوع برخورد اعلام کرده بود تظاهرات تنها در میدان فوزیه می‌تواند برقرار شود ولی حزب توده دستور داد دانشجویان توده‌ای از دانشگاه به طرف میدان بهارستان حرکت کنند این نمایش را به نام دفاع و پشتیبانی از یکار آزادی‌بخش مردم مصر به راه انداخته بودند، اما بیشتر شعارها علیه مصدق و دولت مصدق بود.

۸ آبان نتیجه مذاکرات دکتر مصدق و جرج مک‌گی معاون وزارت خارجه امریکا درباره مسئله نفت با نتیجه‌گیری امریکا، به اطلاع وزارت خارجه دولت جدید انگلیس رسید.

۸ آبان به دنبال تظاهرات و برخورد روز قبل، صدای به شورای دانشگاه هجوم بردند و اعضای شورای دانشگاه را مورد اهانت قرار دادند و آنان را از ساعت ۱۱ صبح تا ۷ بهمنظره در بازداشت نگهداشتند.

۹ آبان جمال امامی در مجلس، دولت را به ناتوانی در کنترل اوضاع متهم کرد و مصدق را آلت دست کمونیستها خواند.

۱۲ آبان دکتر علی اکبر سیلسی رئیس دانشگاه اعلامیه‌ای صادر کرد و از دولت تقاضای اختیارات نمود و درخواست تشکیل گارد انتظامی کرد.

۱۳ آبان مصدق در ملاقات با جرج مک‌گی معاون وزارت خارجه امریکا در امور خاورمیانه از نظر نامساعد انگلیس در خصوص پیشنهاد لو آگاه شد.

۱۴ آبان مصدق با صدور اعلامیه‌ای مسئولیت حوادث تهران را به عمال شرکت سابق نفت تسببت داد.
۲۷ آبان مصدق در مراجعت از امریکا به دعوت تجاسی پاشا نخست‌وزیر مصر به سوی قاهره رفت.

۳۰ آبان دریافت دکترای افتخاری از دانشگاه فوئد اول در قاهره.
۱ آذر بازگشت دکتر مصدق به تهران و استقبال می‌سابقه مردم.

۳ آذر گزارش مصدق به مجلس راجع به سفر امریکا (مذاکراتش با اچسن وزیرخارجه امریکا و جرج مک‌گی در مورد نفت و تأکید بر این که انگلیسی‌ها مصمم به حفظ سلطه انحصاری خود بر نفت ایران هستند هم‌چنین درخواست قرضه از دولت امریکا) شرح مسافرت مصر و اعلامیه مشترک ایران و مصر و اعلام تصمیم دولت بر شروع انتخابات دوره هفتم قانونگذاری و تقاضای رأی اعتماد از ۷-۱۰ نفر عده حاضر ۹۰ نفر به دولت رأی اعتماد دادند.^{۱۰}

۹ آذر سرلشکر منصور مزینی رئیس شهرداری کل کشور به علت اهمال در وقایع دانشگاه از کار برکنار شد.

۱۰ آذر فرات نامة عبدالسلام فهمی رئیس مجلس شورای ملی مصر خطاب به رئیس مجلس ایسولن در جلسه رسمی مجلس درباره دخالت‌های نظامی انگلستان در آن کشور.

۱۴ آذر با آن که دولت میدان فوزیه را برای تظاهرات تعیین و آزاد اعلام کرده بود و مطابق مقررات سه روز قبل جهت حفظ انتظامات، می‌باید برگزار کنندگان میتینگ قصد خود را به شهرتانی اطلاع دهند حزب توده بدون اطلاع به شهرتانی، مردم را به میتینگ سیار از دانشگاه به سوی بهارستان دعوت کرد چون دولت مسیر مورد نظر را تحت مراقبت قرار داد. عده‌ای از خیابانهای دیگر وارد خیابانهای نادری و شام‌آباد شدند و در میدان بهارستان جلو مجلس دست به تظاهرات زدند. که منجر به درگیری با نیروهای انتظامی و زد و خوردهایی گردید در نتیجه ۵ تن کشته و عده‌ای از طرفین مجروح شدند در این درگیریها، از جمله، سرهنگ نوری شاد رئیس کالانتری بهارستان به قتل رسید و سرتیپ‌دانشپور معاون شهرتانی به شدت مجروح شد. عصر آن روز عده‌ای به خانه صلح و مفاتر روزنامه‌های حزب توده و نیز روزنامه‌های دست راستی *فرمان، تشریح، سیاسی* و *طریق* حمله کردند و خساراتی وارد ساختند.

در آذر ماه تظاهرات و زد و خوردهایی در خیابانهای مرکزی تهران به وقوع پیوست که هدف آن اختلال در نظم و امنیت پایتخت و ضعیف جلوه دادن اقتدار دولت بود. در این مدت دست‌اندرکاران با نام و نشان بی‌کار نبودند و تلاش بر آن داشتند که سقوطاً دکتر مصدق هر چه زودتر انجام بگیرد. حادثه عصر هشتم ۱۴ آذر یکی از این نمونه‌ها بود که دستجات عجیب و غریبی بیرون ریختند و همدستان کویین مراکز نیروهای چپ و راست بود که به ظاهر این کار را کردند.

۱۴ آذر در مجلس شورای ملی مخالفان دولت به مناسبت فعالیت تازه حزب توده، مصدق را مورد انتقاد قرار دادند.

۱۶ آذر مدیران جرائد در مجلس شورای ملی متحصن شدند و اعلامیه‌ای انتشار دادند. نمایندگان اقلیت نیز در مجلس شورای ملی به حمایت از مطبوعات متحصن شدند. جمال امامی کارگزاران اقلیت در جلسه روز بعد (۱۷ آذر) در این باره گفت: «فعلاً ما افراد اقلیت مجلس شورای ملی از دیشب آمده‌ایم در مجلس تحصن اختیار کنیم برای این که به دنیا اعلام کنیم ما نه تنها آزادی نداریم بلکه تأمین جانی هم نداریم.»

۱۷ آذر در مجلس بیرامون وقایع ۱۴ آذر و اغتشاشی تهران، جمال امامی، عبدالقدیر آزاد و آنتیانی‌زاده دولت را مورد انتقاد شدید قرار دادند. آنتیانی‌زاده گفت: «حوادث ۱۴ آذر دومین لکه بدنامی را بر دامن دکتر مصدق زد. اولین حادثه فاجعه بیست و سوم تیر ماه بود. دکتر مصدق قتل عام ۲۳ تیر را به گردن وزیر کشور و رئیس شهرتانی وقت انداخت و گفت سرلشکر بقائی را شاه منصوب کرده و توطئه به وسیله شهرتانی تنظیم شده و خود از جریان فاجعه بی‌اطلاع بوده است. بعد از چندی سرلشکر زاهدی را به جرم شرکت در توطئه ۲۳ تیر از کار بر کنار نمود و دستور محاکمه سرلشکر بقائی را ثلاث هنوز شش ماه از فاجعه نمی‌گذرد که روز ۱۴ آذر جنایت دیگری به وقوع پیوست.»^۴

۱۹ آذر در مجلس از طرف اقلیت و جمعی از تماشاچیان علیه دولت به شدت تظاهراتی صورت گرفت. عده‌ای از تظاهرکنندگان داخل جلسه علنی شده و با نمایندگان گلاویز شدند. عده‌ای از اوباش حرفه‌ای جایگاه تماشاچیان را بر کرده بودند و قصد داشتند به محض ورود دکتر مصدق، ضمن بر هم زدن مجلس به جان وی سوء قصد کنند. اما جمال امامی از نمایندگان اقلیت که کارگردان قضیه بود زودتر وارد مجلس شد و ابراز احساسات این گروه چنان بالا گرفت که مجبور شدند آنان را از جایگاه تماشاچیان بیرون کنند و این فاصله را دکتر مصدق که برای گزارش به مجلس آمده بود به اجبار در یکی از اتاقهای

مجلس گذراند. در این جلسه که ادامه جلسه ۱۷ آذر بود جمال امامی به شدت با کلماتی توأم با هتاک و تندوی خاص به مصدق حمله کرد و گفت: «... او یک سرشت خاصی است. خلاصه یک مرضهایی گاهی برای تنیه در جامعه ایجاد می کند. دکتر مصدق یکی از آن امراض است که خدا برای ایران فرستاده است.»

زمانی که مصدق در امریکا بود لایحه‌ای به تصویب مجلس رسید که انجام انتخابات را برای دوره هفدهم به تعویق می انداخت. هنگام بازگشت چون هنوز لایحه مزبور در سنا تصویب و تبدیل به قانون نشده بود، و مصدق نمی خواست که با تعویق انتخابات فترت ایجاد شود در اجرای قوانین موجود دستور شروع انتخابات را صادر کرد و در جلسه سوم آذر نیز به همین مناسبت از مجلس رأی اعتماد گرفت. اقلیت که می خواست قبل از انتخابات دولت مصدق را ماقط کند ناراضی از تصمیم مصدق او را در همین جلسه مجلس متهم به دیکتاتوری کرد و در این باره جمال امامی خطاب به مصدق گفت: «... می آید به مجلس توهین می کنی. مجلس اراده‌ای کرده، رأی داده، می آید می گویی من قبول ندارم. از فردا انتخابات را شروع می کنم. آخر اگر نخست‌وزیر پارلمانتر هستی و آن طوری که ادعا می کنی پای بند اصول پارلمانتاریسم هستی... نشان بده در پارلمانهای دنیا یک چنین سابقه‌ای هست که نخست‌وزیر بیاید بگوید شماها ابراز عقیده‌ای کرده‌اید ولی من آن را زیر پا می گذارم.»

دکتر مصدق در این جلسه بسیار منتسج مجلس قبل از گزارش کامل خود درباره شرکت در شورای امنیت ملل متحد و قرابت بخشی از اسناد و دخالت دولت در انتخابات مجلس که قرارداد ۱۹۳۳ را تصویب کرده بود (اسنادیکه برای اثبات عدم اهلیت آن مجلس به شورای امنیت ارائه کرده بود) و گزولش و توضیح درباره کلیات طرح بانک بین‌المللی در خصوص اداره موقت نفت ایران و مذاکرات مقدماتی در این باره در واشینگتن و قبل از توضیح در خصوص وقایع چند روز قبل، با توجه به برخوردهای اقلیت و تحصن نمایندگان اقلیت در مجلس تأکید کرد: «در هر مملکتی که اقلیت آزاد نباشد در مجلس صحبت نکنند آن مملکت به هیچ وجه ترقی نمی کند. اقلیت باید حرفهای خود را بزند و مردم قضاوت کنند. من استدعا می کنم اگر آقایان اقلیت غیر از آن چهار نفر که صحبت کردند، نظریاتی دارند فرمایشاتی دارند بفرمایند تا من به تمام مطالب آقایان جواب عرض کنم. من نمی دانم این تقصیر با جناب آقای امامی است یا با من که جامطلب بودم و با این معایب نخست‌وزیری را قبول کردم. امیدوارم که ملت ایران در این باب قضاوت بکند و آن چه را که حقیقت است درک بکند.»^{۳۲}

۲۱ آذر آیت‌الله کاشانی برای تأیید مصدق میتینگ بزرگی برپا ساخت.

۲۵ آذر شروع انتخابات دوره هفدهم و سخنرانی مصدق از رادیو در این باره.

۲۶ آذر تصویب قانون انتشار اوراق قرضه ملی در سنا.

۲۷ آذر سرلشکر صادق کویال به ریاست شهربانی منصوب شد.

۱ دی انتشار اوراق قرضه ملی و استقبال مردم.

۳ دی اقلیت دولت را در چهار مورد استیضاح کرد.

۱۵ دی تعطیل کنسولگریهای بریتانیا در سراسر کشور بتایر پیشنهاد دکتر مصدق و تصویب‌نامه هیأت وزیران.^{۳۳}

۱ بهمن شروع انتخابات دوره هفدهم قانونگذاری در تهران.

۱ بهمن به مناسبت تعطیل قنصلوگریهای انگلیس مردم تهران و شهرستانها جشن گرفتند.

۱۰ بهمن قرارداد بازرگانی یابابای با دولت مجارستان به امضا رسید در این قرارداد فروش نفت هم منظور شد.

۱۴ بهمن حسین نواب وزیر مختار ایران در هلند پاسخ دولت ایران به دادخواست انگلستان را به دیوان لاهه تسلیم کرد. در این لایحه دولت ایران به صلاحیت دیوان ایراد گرفت.

۱۸ بهمن قرائت آراء انتخابات تهران برای دوره هفدهم پایان یافت.

۱۹ بهمن درگیریهای انتخاباتی در حوزههای مختلف که در مواردی منجر به جرح و قتل اشخاصی شد در زابل شدتی خاص یافته در این درگیریها ده نفر مقتول و ۵۰ نفر مجروح شدند. فرماندر زابل رئیس انجمن انتخابات، باؤرس انتخابات و یکی از اعضای انجمن جزء مقتولان بودند.

۲۰ بهمن دولت درباره واقعه ناگوار زابل اعلامیه انتشار داد و ضمن اعلام حکومت نظامی در زابل و زاهدان دستور تعقیب کیفری مسببین را صادر کرد.

۲۱ بهمن ترومن به نامه مصدق در خصوص درخواست وام پاسخ منفی داد و اظهار امیدواری کرد که با سفر معاون بانک بین‌المللی و حل مسأله نفت و توافق در خصوص شروع صادرات، تیزی به وام امریکا نباشد.

۲۲ بهمن کارتر معاون بانک بین‌المللی در رأس هیأتی وارد تهران شد.

۲۴ بهمن آلفیار صالح به سمت وزیر کشور تعیین شد که زمام کار انتخابات را در نقاط ناتمام برعهده گیرد.

۲۵ بهمن در مراسم پنجمین سال قتل محمد مسعود دکتر حسین فاطمی وزیر خارجه را به هنگام سخنرانی یکی از تروریستهای فدائیان اسلام هدف گلوله قرار داد. ضارب مهدی عبدخلئی ۱۴ ساله بود دکتر فاطمی برای مداوا و عمل جراحی به بیمارستان نجفیه منتقل شد.

۲۶ بهمن یادداشتی در ۱۲ ماده در خصوص اندازه موقت صنعت نفت توسط بانک بین‌المللی توسط کارتر به دکتر مصدق تسلیم شد.

۲۹ بهمن مجلس شانزدهم پایان یافت.

۳۰ بهمن هیأت بانک بین‌المللی برای مذاکره با مقامات انگلیسی به لندن رفت.

۳۰ بهمن مهلت قانونی تمویض اسکناسهای ۵۰ و ۱۰۰ تومانی پایان یافت و قریب ۴۵ میلیون ریال از اسکناسهای مزبور به بانک برگشتند. خروج اسکناسهای درشت از جریان به علت جمع‌آوری این اسکناسها توسط عوامل شرکت سابق نفت صورت گرفت.

۷ اسفند هیأتی از تهران برای شرکت در کنفرانس اقتصادی به مسکو رفت.

۱۳ اسفند نمایندگان بانک بین‌المللی به تهران بازگشتند.

۲۲ اسفند مذاکرات نمایندگان بانک بین‌المللی با نمایندگان ایران به بن‌بست رسید.

۲۶ اسفند در یک اعلامیه مشترک گفته شد که نمایندگان بانک جهت مشاوره با مدیران خود به واشینگتن می‌روند.

۲۹ اسفند این روز به عنوان روز نفت و جشن ملی، تعطیل عمومی اعلام شد.

۱۳۳۹

۱ فروردین دکتر مصدق طی پیام نوروزی ملت را در مقابل فشار قهر، بیکاری، بی‌نظمی و عدم امنیت قضایی به ایستادگی و پایداری دعوت کرد.

۴ فروردین دولت بریتانیا لایحه جدید خود را علیه دولت ایران به دیوان بین‌المللی دادگستری تسلیم کرد.

۱۰ فروردین اعلام حکومت نظامی در تهران به مدت یکماه.

۱۵ فروردین بلاک رئیس بانک بین‌المللی در تلگرافی به دکتر مصدق در خصوص ادامه مذاکرات کسب تکلیف کرد.

۲۳ فروردین به دعوت دکتر مصدق ۶۰ نفر نمایندگان منتخب دوره هفدهم در منزل او اجتماع نمودند. دکتر مصدق در این اجتماع علل خرابی اوضاع کشور و بیکاری و قهر عمومی را بیان داشت و برنامه دولت را برای اصلاحات همه جانبه تشریح کرد.

۷ اردیبهشت افتتاح مجلس هفدهم. مجلس پس از ۶۷ روز فترت با حضور هفتاد نماینده تشکیل شد در حالی که انتخابات در برخی از شهرستانها و مناطق روستایی و عشایری هنوز پایان نیافته بود.

۱۰ اردیبهشت دکتر مصدق در نامه‌ای که به مجلس نوشت، یادآور شد: «انتخابات بعضی از حوزه‌ها به صورتی در آمد که مورد اعتراض شدید مردم است، اکنون که مملکت از خطر فترت نجات یافته و مقدرات کشور به دست اکثریت بزرگی از نمایندگان حقیقی ملت سپرده شده مجلس به خوبی می‌تواند روی انتخابات محدودش خط بطلان بکشد و اشخاصی را که نماینده حقیقی مردم نیستند و برخلاف حق در بین نمایندگان وارد کرده‌اند، رد کند.»

۲۲ اردیبهشت دکتر مصدق در مجلس سنا دلایل رد طرح بانک بین‌المللی را تشریح کرد.

۲۴ اردیبهشت هنری بایروود معاون وزارت خارجه امریکا وارد تهران شد. با دکتر مصدق و وزیر خارجه ملاقات کرد.

۲۹ اردیبهشت به موجب تصویبنامه هیات دولت، جریان انتخابات در شهرستانها به علت مداخله دربار و ارتش در کلیه حوزه‌هایی که هنوز پایان نیافته بود تا اصلاح قانون انتخابات، متوقف شد.

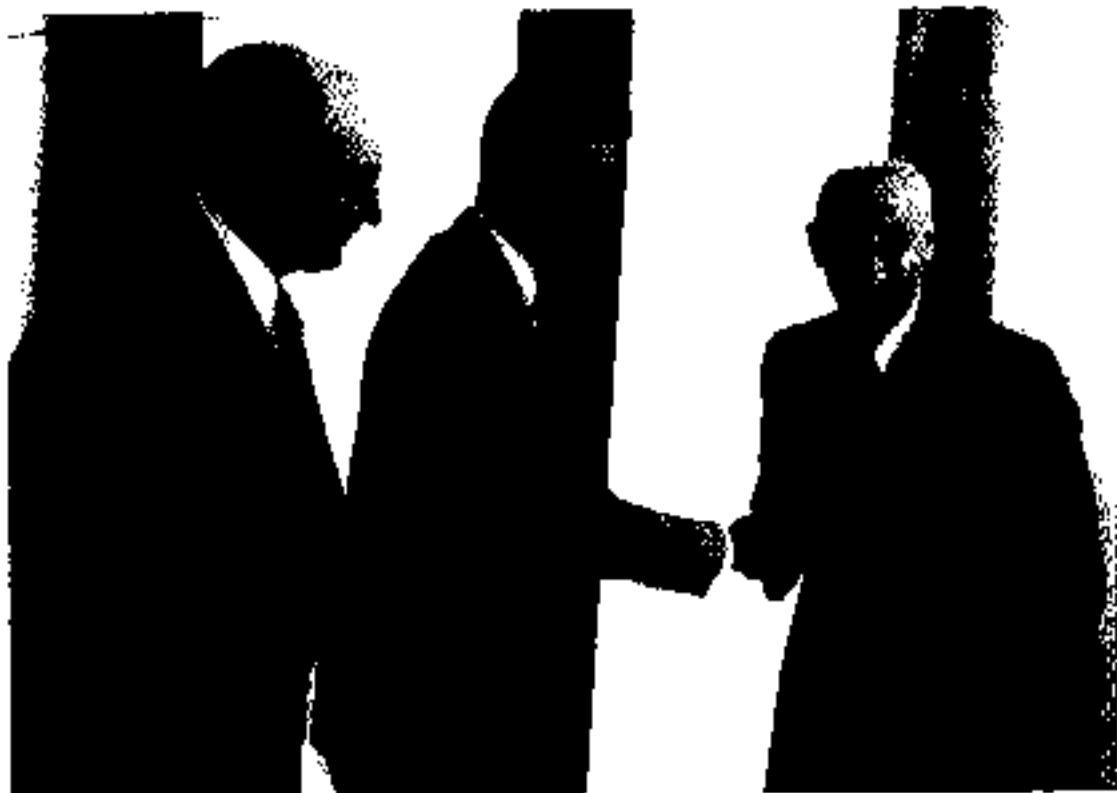
۳۱ اردیبهشت دکتر مصدق در جلسه علنی سنا در مورد فروش نفت به مشتریان جدید و مذاکره با بانک بین‌المللی و علل عدم توافق و اخراج کارشناسان انگلیسی و طرز اداره و بهای نفت و تحلیلی قسولگریهای انگلیس گزارش مشروحی داد.

۴ خرداد نایب نخست‌وزیر باقر کاظمی در مجلس حاضر شد و مجلس را در جریان امور دولت از جمله مسافرت آتی نخست‌وزیر به لاهه، قرار داد.

۶ خرداد نفت کش رزماری به ظرفیت ۷۰۰ تن در بندر معشور به مقصد ایتالیا بارگیری کرد ولی در نزدیکی بندر عنن توسط نیروی دریایی بریتانیا توقیف شد.

۷ خرداد عزیمت به هلند برای شرکت در دیوان بین‌المللی دادگستری در لاهه. مصدق روز ۱۹ خرداد خطاب به قضات بین‌المللی گفت: «اینک که ملت ایران به علت علل بدبختیهای خود بی‌برده، محض است که مایه فساد را برای همیشه ریشه کن کند و با تجربه تلخی که در گذشته از دخالت بیگانگان در امور کشور حاصل کرده، جداً با هر گونه دخالت غیر در امور خود مخالف است. ما می‌خواهیم شما را

متقاعد کنیم که گذشته از ایرادات حقوقی که به صلاحیت دیوان بیان خواهیم کرد به علت ملاحظات اخلاقی برای ما غیر ممکن است که بگذاریم موضوع ملی شدن صنعت نفت مورد بحث و ایراد قرار گیرد...»



۲۴ اردیبهشت هنری با پروود معاون وزارت خارجه آمریکا وارد تهران شد و با دکتر مصدق ملاقات کرد
نفر ایستاده در سمت چپ: لوی هنترسون سفیر آمریکا

۲ تیر بازگشت از لاهه به ایران.

۱۰ تیر یک اکثریت ۴۰ نفری از نمایندگان در مجلس در برابر دولت و جبهه ملی صف‌آرایی کردند و دکتر سید حسن امامی امام جمعه تهران را به ریاست مجلس برگزیدند.

۱۵ تیر مجلس آمادگی خود را اعلام کرد و مصدق طبق سنت پارلمانی استعفا کرد. ۵۲ نصابنده از ۶۵ نفر عده حاضر در مجلس به زمامداری مجدد مصدق اظهار تمایل کردند مجلس سنا (۱۶ تیر) از شاه خواست که فرمان نخست‌وزیر صادر شود و هر گونه رای‌گیری به زمان طرح برنامه دولت موکول گردد. مصدق نپذیرفت لذا سنا با اکثریت ضعیفی اعلام تمایل کرد (۱۸ تیر) مصدق این رای را کافی ندانست ولی پس از ملاقات با هیأت رئیسه سنا حاضر به قبول مسؤلیت شد.^{۲۲}